

# اناجیل

درس  
سوم

انجیل به روایت مرقس



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: اناجیل (درس شماره ۳: انجیل به روایت مرقس)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.



## فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیشینه

نویسنده

دیدگاه سنتی نگارش  
سرگذشت شخصی

مخاطب اولیه

شهادت کلیسای اولیه  
جزئیات انجیل مرقس

موقعیت

تاریخ  
هدف

(۳) ساختار و محتوا

اعلام ماشیح

قدرت ماشیح

مقدمه

نزدیکی کفر ناحوم

ناحیه جلیل

آن سوی جلیل

تایید مسیح توسط رسولان

رنج ماشیح

آماده‌سازی

رویاری

تجربه

پیروزی ماشیح

## (۴) مضامین اصلی

خادم رنج دیده

انتظارات یهودیان  
خدمت عیسی  
عکس العمل مناسب

پادشاه فاتح

اعلام پادشاهی  
نمایش قدرت و اقتدار  
دشمنان مغلوب

## (۵) نتیجه گیری

## انجیل به روایت مرقس

### مقدمه

هرروزه هزاران مسیحی صرفاً به خاطر متابعت از عیسی مسیح متحمل جفاهای بسیاری می‌شوند. هرروز میلیون‌ها ایماندار مسیحی، با احتمال مصادره شدن املاک و دارایی‌های خود روبرو هستند. رهبران‌شان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و زندانی می‌شوند؛ خانواده‌های‌شان مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند و حتی به قتل می‌رسند. در حقیقت، وقتی مرقس مشغول نوشتن انجیل دوم عهد جدید یا همان انجیل مرقس بود، جفای مسیحیان ذهن او را به خود مشغول کرده بود. کلیسا و مسیحیان اولیه به اقسام مختلف در عذاب و سختی بودند. اما چگونه ایمانداران به اهمیت درد و رنج‌های‌شان پی می‌بردند؟ نمونه‌ی عیسی مسیح چه تعلیمی را درباره‌ی دردهای‌شان به آنها یاد می‌داد؟ مرقس به سوالاتی از این دست، با روایت داستان زندگی عیسی پاسخ می‌دهد تا ایمان مسیحیان اولیه را تقویت و آنها را به پایداری تشویق کند.

این سومین درس از مجموعه دروس اناجیل است که ما عنوان «انجیل به روایت مرقس» را به آن دادیم. در این درس حکایت مرقس از زندگی عیسی را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهیم تا بتوانیم تعلیم او را در زندگی دنیای مدرن امروزی خود به طور موثرتری به کار بندیم.

مطالعه‌ی ما درباره‌ی انجیل مرقس به سه بخش مهم تقسیم می‌شود. اول، پیشینه‌ی انجیل مرقس را از نظر خواهیم گذراند. دوم، ساختار و محتوای آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سوم، به بعضی از مضامین اصلی این انجیل خواهیم پرداخت. اجازه دهید با پیشینه‌ی انجیل مرقس کار را آغاز کنیم.

### پیشینه

ما پیشینه‌ی انجیل مرقس را با در نظر گرفتن خودِ شخص مرقس به عنوان نویسنده‌ی انجیل، مخاطبان اولیه‌ی او و شرایط و موقعیت زمان نگارش او، مورد بررسی قرار خواهیم داد. باید در ابتدا به نویسنده‌ی انجیل مرقس پردازیم.

### نویسنده

موضوع نویسندگی مرقس را در دو بخش مورد بررسی قرار خواهیم داد. در ابتدا به دیدگاه سنتی نگارش انجیل خواهیم پرداخت و دوم، سرگذشت شخصی نویسنده را بررسی می‌کنیم. اجازه دهید به دیدگاه سنتی نگارش انجیل مرقس پردازیم.

## دیدگاه سنتی نگارش

سنت کلیسای اولیه در مورد اینکه یوحنا مرقس نویسنده انجیل مرقس بوده اتفاق نظر دارند. وقتی به عهد جدید نگاهی می‌اندازیم، می‌بینیم که مرقس به عنوان عموزاده برنابا معرفی شده. در کتاب اعمال رسولان، در اولین سفر بشارتی پولس و برنابا، یوحنا مرقس آنها رو همراهی می‌کرده. مادرش در اورشلیم خانه‌ای داشت که شاگردان اولیه در اونجا دور هم جمع می‌شدن. پطرس در یکی از رسالاتش یوحنا مرقس را فرزندش خطاب می‌کنه. پاپیاس میگه که مرقس همراه پطرس به روم میره و تعالیم او رو به دقت یادداشت می‌کنه.

- دکتر رابرت پلامر

پاپیاس، در میان نویسندگان مسیحی اولیه، نویسنده‌ای است که معتقد است مرقس نویسنده دومین انجیل است. پاپیاس در اوایل قرن دوم می‌زیست و در حدود سال ۱۳۰ میلادی در آسیای صغیر اسقف بود. دانسته‌های ما درباره پاپیاس، از یوسیپیوس مورخ مشهور کلیساست که در حدود سال ۳۲۵ میلادی نوشته است. او در کتاب سوم «تاریخ کلیسا»، فصل ۳۹، بخش ۱۵، این نقل قول را از پاپیاس می‌آورد:

مرقس در جایگاه مترجم پطرس، همه آنچه را که پطرس از گفتار و اعمال مسیح به یاد می‌آورد، به دقت اما نه در نظم دقیق به رشته تحریر درآورد. زیرا که او خود هرگز مستقیماً از مسیح نشنیده و او را متابعت ننموده بود. بلکه بعدها، همانگونه که گفتم، از شاگردان پطرس بود که تعالیم او را درخور نیاز مخاطبانش به کار بست.

مطابق نظر پاپیاس، انجیل مرقس به شدت مبتنی بر تعالیم پطرس رسول بود. مرقس شخصا شاهد خدمت عیسی مسیح نبوده اما آنچه را که پطرس از مسیح شنیده و یا از او دیده بود را به ثبت رساند.

من معتقدم که سنت‌های کلیسای اولیه به اندازه کافی به زمان نگارش اناجیل و چرخش و انتشار اولیه اناجیل بین مردم نزدیک بوده و به همین دلیل مردم اطلاعات خوبی در اختیار داشتن. بهترین گواه بر این ادعا، دانسته‌های ما از پاپیاس، اسقف شهر هیراپولیس در آسیای صغیره که اوایل قرن دوم می‌زیسته. او کتاب بزرگی را نوشت که متأسفانه از بین رفته و فقط بخش‌های کوچکی از اون باقی مانده. اما از بین همین بخش‌های کوچک هم همیشه اشاراتی از اناجیل را پیدا کرد و جالب اینکه دقیقاً همیشه دید که پاپیاس نوشته که مرقس بر اساس موعظت پطرس انجیلش رو نوشته و از نظر او مرقس مترجم پطرس بوده که احتمالاً سخنان آرامی پطرس را به یونانی یا لاتین ترجمه کرده. پاپیاس به ما میگه که مرقس انجیلش رو بر مبنای دانسته‌های خودش از موعظت پطرس نوشته. به

نظر من، این اشارات معتبرترین و جزو اولین سنت‌های مربوط به اناجیل است که حالا در اختیار ماست و هیچ دلیلی نمی‌بینم که نسبت به آن شک و ابهامی داشته باشیم.

- دکتر ریچارد باکم

سایر نویسندگان کلیسای اولیه نیز دیدگاه سنتی نگارش انجیل دوم توسط مرقس را تایید کرده‌اند. برای مثال، «مقدمه ضد مارسیونی» بر انجیل دوم در حدود سال ۱۷۰ میلادی نوشته شده که دقیقاً نویسندگی مرقس را تایید می‌کند. ایرنیوس یکی از آباء کلیسا که آثار خود را حدود سال ۱۷۷ میلادی می‌نوشته، نیز همین ایده را تصدیق می‌کند. علاوه بر این، دست‌نوشته‌های اولیه یونانی نیز عنوان «انجیل به روایت مرقس» را به این کتاب داده‌اند.

شواهد مبتنی بر نگارش انجیل دوم توسط مرقس به شکل گسترده‌ای در کلیسای اولیه مورد پذیرش بود. در اصل، در آثار کلیسای اولیه هیچ گزارشی از مجادله‌ای جدی مبنی بر نگارش این انجیل توسط مرقس پیدا نمی‌شود. گرچه در سال‌های اخیر بعضی از محققین سعی در رد این عقیده سنتی داشتند اما نتوانستند شواهد قدیمی مبنی بر نگارش انجیل توسط مرقس را کتمان کنند و نتوانستند از متن خود انجیل نکته‌ای پیدا کنند که دال بر عدم نویسندگی مرقس باشد. به همین دلایل، مسیحیان امروزی می‌توانند با اطمینان تصدیق کنند که مرقس نویسنده این انجیل است.

حالا که از دیدگاه سنتی نگارش این انجیل توسط مرقس اطمینان حاصل کردیم، بیایید سرگذشت شخصی او را نیز مورد بررسی قرار بدهیم تا درک بهتری از روایت او داشته باشیم.

### سرگذشت شخصی

مطابق اعمال رسولان باب ۱۲ آیه ۱۲، مرقس فرزند زنی به نام مریم بود که در اورشلیم زندگی می‌کرد. در خانه همین زن بود که عده‌ای از مسیحیان اورشلیم جمع شده بودند تا برای پطرس که به زندان افتاده بود، دعا کنند. بنابراین همراهی مرقس و پطرس و سایر رسولان به زمان‌های گذشته می‌رسید.

مرقس پسر عموی برنابا هم بود؛ پولس به این موضوع در کولسیان باب ۴ آیه ۱۰ اشاره می‌کند. حتی مرقس، پولس و برنابا را در اولین سفر بشارتی آنها کمک کرد اما در اعمال باب ۱۳:۱۳ متوجه می‌شویم که مرقس آنها را در میانه سفر رها می‌کند و به اورشلیم بر می‌گردد.

به همین دلیل، پولس اجازه پیوستن دوباره او را در سفر دوم بشارتی نمی‌دهد. وقتی اعمال باب ۱۵: ۳۶-۴۱ را می‌خوانیم، می‌بینیم که پولس و برنابا بر سر همین موضوع از هم جدا شدند. پس برنابا مرقس را با خود برداشته و برای کار خدمت راهی قبرس شد؛ درحالی که پولس، سیلاس را برداشت و او را به جای برنابا همراه خود کرد.



با این وجود، مطابق کولسیان باب ۴ آیه ۱۰، مرقس بعدها دوباره اعتماد پولس را به خود جلب کرد و در طول یکی از دوره‌های زندان پولس، در کنار او بود. بعدها، مرقس پطرس را که در روم مشغول خدمت بود کمک کرد. در واقع، مطابق اول پطرس باب ۵ آیه ۱۳، رابطه او با پطرس چنان نزدیک بود که پطرس او را به با مهربانی «پسرم» خطاب می‌کند. احتمالاً در همین زمان بوده که پطرس همه جزئیات خدمت زمینی عیسی را به مرقس تعلیم داده و او نیز آن را در انجیل مرقس به ثبت رسانده است.

مرقس یا یوحنا ملقب به مرقس که اسم کامل اوست، یکی از شخصیت‌های جالب و بحث برانگیز کتاب مقدسه. در جاهای مختلفی از کتاب مقدس به شکل مختصری به او پرداخته شده. اسم مادرش مریم بود و صاحب خانه‌ای در اورشلیم و می‌دونیم که جلسات کلیسا به دفعات مختلفی در همین خانه تشکیل می‌شده. مرقس پسر عمومی برنابا بود که به عنوان همراه و دستیار پولس رسول در سفرها و خدمات بشارتی با او بوده. در طول سفر اول بشارتی پولس و برنابا، مرقس آنها را همراهی می‌کرده. تاریخ کلیسا به ما می‌گه که او با پطرس نیز همراه بوده. در واقع، سنت‌های کلیسا تایید می‌کنند که انجیل مرقس مجموعه‌ای از گفته‌ها و شهادت پطرس محسوب می‌شده. بنابراین، بعضی‌ها می‌گن که «خب، این مرقس کی بوده؟ او که رسول نبوده!» البته که رسول نبوده! ولی وقتی کارنامه او رو از نظر می‌گذرونیم، می‌بینیم کارنامه قوی بوده. یقیناً با وجود سن اندک و جوان‌سالی، عیسی رو دیده و او را میشناخته. بنابراین جزو شاهدان عینی عیسی محسوب میشه؛ و به طور قطع به یقین، شاهد قیام عیسی هم بوده. معلمین او چه کسانی بودند؟ یکی پولس به عنوان رسول امت‌ها و دیگری پطرس که نماینده دوازده رسول بود. پس مرقس از شایستگی لازم برای نگارش انجیل عیسی مسیح برخوردار بوده است؟ قطعاً شایسته بوده.

- دکتر مارک استراس

حالا که درباره مرقس به عنوان نویسنده این انجیل صحبت کردیم، بهتر است هویت مخاطبان اولیه را مورد بررسی قرار بدهیم.

### مخاطب اولیه

شهادت کلیسای قدیم و جزئیات موجود در انجیل مرقس به کلیساهای واقع در ایتالیا، به خصوص در شهر روم، به عنوان مخاطبان اولیه انجیل مرقس اشاره دارند.

این نظر که مرقس انجیل را به کلیساهای ایتالیا و روم نوشت مورد بررسی قرار می‌دهیم و با نگاهی گذرا به شهادت کلیسای اولیه و بعضی از جزئیات خود انجیل مرقس به این موضوع خواهیم پرداخت. بیایید اول به شهادت کلیسای اولیه بپردازیم.

### شهادت کلیسای اولیه

سه شاهدهی که قبلاً به آنها اشاره کردیم یعنی: پاپیاس که حوالی ۱۳۰ میلادی آثارش را نوشته، مقدمهٔ ضد مارسیونی را حدود سال‌های ۱۷۰ میلادی نوشت. ایرینیوس که حدود سال ۱۷۷ میلادی آثارش را نوشته است، همه گزارش کردند که مرقس این انجیل را در ایتالیا نوشته و بعضی به صورت مشخص شهر روم را مورد اشاره قرار دادند. علاوه بر این، هیچکدام از آنها نمی‌گویند که او انجیل خود را به کلیسای شهر دیگری فرستاده است. بنابراین چنین استنباط می‌شود که مرقس خطاب به کلیساهای محلی مکان زندگی خود می‌نوشته است. اول پطرس ۵: ۱۳، خود دلیلی بر این نتیجه‌گیری است که خاطر نشان می‌کند مرقس همراه با پطرس در آن روزها همراه پطرس مشغول خدمت در شهر روم بوده است.

البته، مثل همهٔ اناجیل، تاریخ ثابت می‌کند که خواست خدا بر این بوده که انجیل مرقس توسط همهٔ کلیسا در همهٔ اعصار مورد استفاده قرار بگیرد. اما وقتی درک کنیم که مرقس از روی دل‌مشغولی عمیقی که به خاطر اتفاقاتی که بر سر ایتالیایی‌ها و به خصوص مسیحیان رومی روزگار او اتفاق می‌افتاد داشت، بهتر می‌توانیم خود را برای تفسیر انجیل مرقس آماده کنیم.

علاوه بر شهادت کلیسای اولیه، جزئیات زیادی نیز در خود انجیل مرقس وجود دارند که تایید می‌کنند او خطاب به کلیساهای ایتالیا و به طور ویژه در روم نوشته است. به چهار نمونه از این جزئیات در انجیل مرقس خواهیم پرداخت که ادعای نگارش انجیل مرقس خطاب به کلیساهای ایتالیا و روم را مورد تایید قرار می‌دهند.

### جزئیات انجیل مرقس

اول اینکه، در مواردی، مرقس رسوم فلسطینی را به مخاطبین خود شرح می‌دهد. برای مثال، مرقس در باب ۷ آیات ۳-۴، رسم شستن دست‌های فریسیان را توضیح می‌دهد. توضیحاتی از این قبیل نشان می‌دهند که مخاطبین مرقس باید تعداد قابل توجهی از امت‌ها باشند که خارج از فلسطین زندگی می‌کردند. دومین مورد از این جزئیات که مخاطبین ایتالیایی و رومی مرقس را تایید می‌کنند این است که او اصطلاحات زبان آرامی را برای آنها توضیح می‌دهد. برای مثال، به توضیحات او راجع به اسامی یعقوب و یوحنا که در باب ۳ آیهٔ ۱۷ مطرح شده دقت کنید.

و یعقوب پسر زیدی و یوحنا برادر یعقوب؛ این هر دو را بَوَانْرَجَسْ یعنی پسران رعد نام گذارد. (مرقس ۳: ۱۷)

همچنین مرقس توضیحات مشابهی را در باب ۵ آیه ۴۱ و باب ۷ آیه ۳۴ و باب ۱۵ آیات ۲۲-۳۴ ارائه می‌دهد. مردم آرامی زبان ساکن فلسطین هیچ نیازی به چنین توضیحاتی نداشتند. حتی یهودیان خارج از فلسطین نیز به خاطر کنیسه‌های‌شان، با زبان‌های آرامی و عبری آشنا بودند. بنابراین این جزئیات همگی تأیید می‌کنند که مرقس خطاب به امت‌های خارج از فلسطین نوشته است.

سومین مورد از جزئیات که به طور واضح به مخاطبین اهل ایتالیا و روم اشاره می‌کند، این است که مرقس بیشتر از هر انجیل‌نویس دیگری از کلمات لاتین استفاده می‌کند. این خود نشان می‌دهد که بخش قابل ملاحظه‌ای از مخاطبین او زبان لاتین می‌دانستند.

در طول قرن اول، استفاده گسترده از زبان لاتین در دنیای مدیترانه متداول نبود. استفاده از این زبان بیشتر به ایتالیا یعنی سرزمین و موطن امپراتوری روم محدود می‌شد. بنابراین اینکه مرقس در نگارش خود ۱۵ بار از کلمات لاتین استفاده می‌کند، حائز اهمیت است. برای مثال، در مرقس باب ۱۲ آیه ۴۲ او از واژه لاتین لپتا Lepta استفاده می‌کند که به سکه کوچک مسی اشاره دارد. گرچه مرقس این واژه را با املا و حروف یونانی بیان می‌کند، اما خود این کلمه لاتین بوده و امکان نداشت کسی که لاتین زبان نیست معنای آن را درک کند.

چهارمین موردی که امکان نگارش مرقس برای کلیساهای ایتالیا و به طور خاص روم را نشان می‌دهد این است که مرقس اسم مردی به نام «روفوس» را ذکر کرده است.

در مرقس باب ۱۵ آیه ۲۱ آمده که مردی که صلیب عیسی را به جلجتا برد، پدر اسکندر و روفوس بود - دو مردی که هیچ نقشی در انجیل مرقس نداشتند. چرا مرقس نام‌شان را مطرح می‌کند؟ بهترین توضیحی که می‌توان داد این است که مخاطبین یا بخشی از آنها آن دو مرد را می‌شناختند. در واقع، رومیان باب ۱۶: ۱۳ می‌گویند، مردی به نام روفوس عضو کلیسای روم بود. فرض بگیریم که این شخص همان روفوسی است که مرقس به او اشاره می‌کند. بنابراین می‌شود چنین استنباط کرد که خطاب مرقس به کلیسای روم بوده است.

هیچکدام از این جزئیات به تنهایی ثابت نمی‌کنند که روم مقصد نهایی انجیل مرقس بوده است. تاثیر جمعی همه این جزئیات می‌تواند به عنوان شهودی از کلیسای قدیم این نظریه را مورد تایید قرار دهد. همچنین همانطور که در طول این درس خواهیم دید، مطالعه انجیل مرقس با در نظر قرار دادن اینکه مخاطبان آن اهالی روم بودند؛ می‌تواند در استخراج تأکیدات خاص مرقس و به کار بردن آنها در زندگی امروز به ما کمک زیادی کند.

بعد از بررسی نویسنده و مخاطبان این انجیل، حالا می‌توانیم جنبه سوم پیشینه انجیل مرقس را مورد بررسی قرار بدهیم که به موقعیت و شرایط نگارش آن می‌پردازد.

## موقعیت

در این قسمت، دو وجه از موقعیت انجیل مرقس را مورد بررسی قرار خواهیم داد. اول، اینکه باید در نظر داشته باشیم مرقس در چه تاریخی انجیل خود را نوشته است و دوم اینکه هدف مرقس از نگارش انجیلش را مورد کنکاش قرار می‌دهیم. اجازه دهید در ابتدا به تاریخ نگارش انجیل مرقس بپردازیم.

## تاریخ

تاریخ نگارش انجیل مرقس را نمی‌توان با قطعیت تعیین کرد. اما به طور تقریبی، شواهد نشان می‌دهد که باید در اواسط یا انتهای دهه ۶۰ قرن اول میلادی نوشته شده باشد.

شواهدی مثل آثار آپرینیوس و مقدمه ضد عقاید مارسیونی، تصدیق می‌کنند که مرقس انجیل خود را بعد از مرگ پطرس نوشته است. پطرس احتمالاً در روم و در زمانی که جفای سختی به دستور امپراتور نرون بر کلیسا اعمال می‌شد، به شهادت رسیده است. این واقعه بعد از ماجرای سوختن روم در سال ۶۴ میلادی اتفاق افتاده است. اما پاپیاس در آثار خود می‌نویسد که مرقس نگارش انجیل خود را زمانی آغاز کرد که پطرس هنوز زنده بود اما احتمال مرگ پطرس قبل از پایان نگارش مرقس را رد نمی‌کند. بنابراین، منطقی است که تاریخ مرگ پطرس یعنی حدود ۶۴ میلادی را نزدیک‌ترین زمان پایان نگارش انجیل مرقس بدانیم.

اما سخت است که دورترین سال احتمالی برای نگارش انجیل مرقس را دقیقاً تخمین زد. همانطور که در درس قبلی گفتیم، بسیاری از محققین باور دارند که مرقس اولین انجیل نوشته شده است و متی و لوقا هر دو در نگارش انجیل خود از انجیل مرقس به عنوان مرجع استفاده کردند. چون هیچ کدام از سه انجیل به واقعه تخریب اورشلیم و هیکل در سال ۷۰ میلادی، اشاره‌ای نداشتند، به همین دلیل محققین بسیاری معتقدند که هر سه انجیل متی، مرقس و لوقا باید قبل از این تاریخ نوشته شده باشند. اگر متی و لوقا انجیل پایان یافته مرقس را قبل از اتمام کار نگارش اناجیل خود در دست داشته‌اند؛ پس می‌شود چنین نتیجه‌گیری کرد که نگارش انجیل مرقس بسیار زودتر از ۷۰ میلادی به پایان رسیده بود چون لازم بود، متی و لوقا، قبل از نگارش اناجیل خود، زمانی کافی برای آشنایی با انجیل مرقس داشته باشند.

با در نظر داشتن تاریخ نگارش انجیل مرقس، اجازه بدهید به هدف نگارش انجیل مرقس بپردازیم.

## هدف

از یک منظر، انجیل مرقس همراه با سایر اناجیل در یک هدف مشترکند و آن، این است که گزارشی تاریخی واقعی از زندگی و تعالیم عیسی مسیح را ثبت و حفظ کنند. از سال ۵۰ میلادی به بعد، شاهدان حیات، مرگ و قیام عیسی مسیح کم‌کم فوت کردند. بنابراین نیاز بود که شهادت آنها حفظ شود. همانطور که یوسیبیوس

و سایر نویسندگان قرن اول نیز خاطرنشان کردند، بخشی از هدف مرقس این بود که گزارش پطرس از خدمت عیسی مسیح را ثبت کند.

اما تنها هدف مرقس این نبود که گزارش پطرس از خدمت عیسی مسیح را حفظ کند. مرقس مثل سایر نویسندگان اناجیل نمی‌خواست خوانندگان انجیلیش فقط عیسی را بشناسند بلکه می‌خواست که درس‌هایی هم از زندگی عیسی بگیرند و در زندگی‌شان به کار بیندند. اما مگر زندگی مخاطبان چگونه بود؟

دهه ۶۰ میلادی در شهر روم، دوره‌ی بسیاری سختی برای مسیحیت بود. باید به یاد داشته باشید که تا آن زمان اگر شما یهودی بودید؛ طبق قانون رومی، جزو ادیان شناخته شده یا چیزی که به آن «لیگیو لیستا» یا «دین مجاز» به حساب می‌آمدید. بنابراین جفای سختی بر مسیحیان یهودی تبار وارد نمی‌شد چونکه این فکر حکمفرما بود که این اشخاص بخشی از دین یهود محسوب می‌شوند. اما وقتی حاکمان رومی احساس کردند که این دین جدید امت‌های غیر یهودی را نیز شامل می‌شه و تفاوت زیادی هم با دین یهود داره پس چطور باید با این پدیده برخورد کرد؟ دیگه برای دین مجاز حاشیه‌ی امنیتی وجود نداشت. نظر حکومت روم راجع بهش عوض شده بود. اینجاست که واقعه‌ی مهمی در ابتدای دهه ۶۰ میلادی رخ می‌ده. در سال ۵۹ میلادی نرون، تا حدودی به مرز دیوانگی می‌رسد. البته در پنج سال اول حکومتش شرایطش تا حدودی بهتر بود اما از این تاریخ تا مرگش یعنی سال ۶۸ میلادی رفتار او به هیچ عنوان قابل پیش‌بینی نبود. در همین اوضاع و در سال ۶۰ میلادی پولس وارد روم می‌شه حاضره برای مسیح جاننش رو فدا کنه و این دین جدید رو به همه عرضه کنه حتی به امپراتور نرون. این امکان وجود داره که نرون این قضیه را درک می‌کنه و متوجه می‌شه که از این دین خوشش نیامد. چون با خودش می‌گه که من باید در راس امور باشم و حالا این مسیحیان اومدند و میگن که «عیسی خداست». بنابراین در ۱۸ ماه ژوئیه سال ۶۴ میلادی، آتش سوزی بزرگی در روم بر پا می‌شه و همه نرون رو مقصر می‌دونند، و او هم همه تقصیرات رو به گردن این دین نوپا یعنی مسیحیان نسبت می‌اندازه؛ و بعد از این واقعه آنچه راجع به مسیحیان می‌شنویم بیشتر به یک تراژدی شباهت داره.

- دکتر پیتر واکر

احتمالاً در طول سال‌هایی که مرقس مشغول نگارش انجیل بوده، مسیحیان روم دچار جفا عذاب‌آوری تحت فرمان نرون، امپراتور روم بودند. نرون از سال ۵۴ تا ۶۸ میلادی حکومت می‌کرد. یکی از بدنامی‌های او به این دلیل است که مسیحیان را مقصر آتش‌سوزی روم در سال ۶۴ میلادی جلوه داد و به این بهانه آنها را به طرق وحشتناکی مجازات می‌کرد.

روم تحت حکومت نرون جفای سختی را بر کلیسا وارد کرد. در ابتدا روم به شکل جمهوری تأسیس شده بود. بعدها، بعد از کشته شدن ژولیوس سزار، آگوستوس با ارتش خود روم را اشغال و سنا را منحل کرد. بنابراین جمهوری روم به امپراتوری روم تبدیل شد. آگوستوس اولین امپراتور روم شد. و از این زمان به بعد، تاریخ بی‌رحمی رومیان آغاز می‌شود. در واقع، حکومت نرون بدترین دوره جفا بر مسیحیان محسوب نمی‌شود. مطابق روایت‌های تاریخی، امپراتوران دیگری هم بودند که بسیار سخت‌تر از نرون بر مسیحیان جفا کردند، طوری که با مخیکوب کردن آنها روی صلیب یا سوزاندن، آنها جفای سختی دیدند و کشته شدند. در کلیسای اولیه ایمانداران بسیاری به شهادت رسیدند که مرگ‌شان گواهی بر رحمت و عدالت خدا شد.

- دکتر استفان چان

زندگی برای مسیحیانی که در این دوره در روم زندگی می‌کردند بسیار سخت بود و همانطور که خواهیم دید مرقس طوری مفاهیم انجیل را طرح می‌کند تا برای شرایط موجود پاسخی داشته باشد. اگرچه روش‌های مختلفی برای توصیف هدف مرقس از نوشتن انجیل وجود دارند اما در این درس بیشتر بر این ایده متمرکز خواهیم شد که مرقس انجیلش را برای تقویت مسیحیان جفا دیده روم نوشته است.

انجیل مرقس کاملاً مشخص می‌کند که همه مشکلات و وسوسه‌هایی که مسیحیان روم به خاطر مسیح با آنها روبرو می‌شوند، عیسی نیز قبلاً با آنها مواجه شده بود. او به شکلی ناعادلانه در محکمه رومی محکوم شد. توسط سربازان رومی مورد ضرب و شتم قرار گرفت. بر صلیب رومیان مصلوب شد. اما با وجود همه رنج‌ها، پیروزی از آن او بود. مرقس به مخاطبانش اطمینان می‌بخشد که اگر با امانت از عیسی پیروی کنند، آنها نیز پیروز خواهند شد. بله، مسیحیان رنج خواهند کشید؛ ولی رنج‌شان منجر به جلال خواهد شد؛ درست همانطور که در مورد عیسی مسیح چنین شد.

حال که پیشینه انجیل مرقس را مورد بررسی قرار دادیم، اجازه دهید به موضوع ساختار و محتوای آن بپردازیم.

## ساختار و محتوا

در مقیاس کلی، انجیل مرقس به پنج بخش اصلی تقسیم می‌شود. در ابتدا، مرقس انجیل خود را با اعلان نسبتاً کوتاهی راجع به عیسی مسیح به عنوان ماشیح آغاز می‌کند که شامل باب ۱ آیات ۱-۱۳ می‌شود. دوم، بخش نسبتاً بزرگی به توصیف قدرت ماشیح اختصاص داده شده که باب ۱ آیه ۱۴ تا باب ۸ آیه ۲۶ شامل می‌شود. سوم، بخش کوتاه اما محوری است که تایید ماشیح توسط رسولان را به تصویر می‌کشد و باب ۸ آیه ۲۷ تا ۳۰ شامل

می‌شود. چهارم، بخش توصیفی نسبتاً طولانی از مصائب و سختی ماشیح است که از باب ۸ آیه ۸ تا باب ۱۵ آیه ۴۷ را به خود اختصاص داده است. پنجم، نتیجه‌گیری کوتاهی که از پیروزی مسیح می‌گوید و باب ۱۶ آیه ۱ تا ۸ شامل می‌شود. ما هر یک از این بخش‌ها را با عمق بیشتری مورد بررسی قرار خواهیم داد و در آغاز به سراغ اعلام ماشیح می‌رویم.

### اعلام ماشیح

دقت کنید که انجیل مرقس در باب ۱ آیه ۱ چطور آغاز می‌شود:

ابتدای انجیل عیسی مسیح پسر خدا (مرقس ۱:۱).

وقتی مرقس به عیسی به عنوان «مسیح» اشاره می‌کند، از ترجمه یونانی کلمه عبری «ماشیح» استفاده می‌کند. به همان شکل، عبارت پسر خدا بیان دیگری بود بر اینکه عیسی همان ماشیح موعود خداست. در عهد عتیق و در الاهیات یهودیت امروز، مسیح یا ماشیح از نسل داوود پادشاه خواهد بود که تخت سلطنت اسرائیل را دوباره برقرار خواهد کرد و قوم را به ملکوت خدا بر زمین مبدل خواهد کرد. این اعلان که به شکل مقدمه آمده، با بیان مختصری از تعمیم عیسی توسط یحیای تعمیم دهنده در مرقس ۱:۲-۱۱ ادامه پیدا می‌کند. بعد از پایان تعمیم عیسی، روح القدس بر عیسی فرود آمد، و صدای خدای پدر از آسمان شنیده شد که اعلام کرد که او پسر محبوب اوست. به این وسیله هم پدر و هم روح القدس تایید کردند که عیسی همان مسیح یا ماشیح موعود است.

خیلی جالبه که بدونیم که یهودیان زمان عیسی در مورد آمدن ماشیح چی فکر می‌کردند. در واقع، حرف‌ها و عقاید متفاوتی اینجا و اونجا مطرح بود. از طومارهای بحرالمرآت در دست داریم که نشون می‌دن که عده‌ای بر این باور بودند که دو مسیح خواهند آمد: یکی مسیح پادشاه و مسیح کاهن! اما انتظار غالب این بود که مسیح باید از نسل داوود باشه و به لحاظ سیاسی صلح و آرامش را برقرار خواهد کرد و رومیان را بیرون خواهد راند. من فکر می‌کنم که ساختار مذهبی عقیده داشت که اگر قوم اسرائیل از شریعت اطاعت می‌کرد، ملکوت برقرار می‌شد. در واقع اونها عیسی رو یک تهدید می‌دونستند چون به نظر نمی‌آمد که عیسی اطاعت از شریعت رو ترویج می‌داد بلکه به نوعی ازش سرپیچی هم می‌کرد، البته از نظر اونها اینطور بود. بنابراین، او ماشین قدرت سیاسی رو که انتظارش رو داشتند در اختیار نداشت و از نظر شریعت هم انتظارات اونها رو هم برآورده نمی‌کرد. با این حساب، من فکر می‌کنم به همین

خاطر از ش بیزار شده بودند. در واقع، به گمان من، در نهایت اونها عیسی را از منظر باب ۱۳ تنبیه نگاه می‌کردن؛ یعنی کسی که معجزات عجیبی را انجام می‌داد ولی در اصل نبی دروغینی بود و باید کشته می‌شد.

- دکتر تامس شراینر

اما عیسی با انتظارات مردم از ماشیح همخوانی نداشت. به طور کلی، یهودیان قرن اول این تصور را در ذهن داشتند که مسیح با پیروزی وارد اسرائیل خواهد شد و حکومت را در دست خواهد گرفت. اما در مرقس باب ۱ آیات ۱۲ و ۱۳، می‌بینیم که روح‌القدس عیسی را درست بعد از تعمید به بیابان می‌فرستد تا توسط شیطان وسوسه شود. در انتها، عیسی پیروز شد اما مطابق نقشه خدا، اینطور مقرر شده بود که پیروزی از میان راهی پر از مشقت و سختی حاصل شود.

بعد از اعلام اینکه عیسی همان ماشیح یا مسیح خداوند است؛ مرقس در باب ۱ از آیه ۱۴ تا باب ۸ آیه ۲۶ به شرح و توصیف قدرت مسیح می‌پردازد.

### قدرت ماشیح

در این بخش از گزارش مرقس، قدرت و اقتدار عیسی به عنوان ماشیح نمایش داده می‌شود. مردم بسیاری جمع شده بودند تا از خدمت او بهره‌مند بشوند اما تشخیص ندادند که قدرت عیسی ثابت کرد که او همان ماشیح است. در واقع، در هیچ جای دیگر این بخش از او به عنوان ماشیح اشاره‌ای به میان نمی‌آید. حتی خود مسیح نیز در رابطه با هویت حقیقی‌اش، سکوت می‌کند و از دیگران هم می‌خواهد سکوت کنند.

البته، اولین مخاطبان مرقس که مسیحیان شهر روم بودند، می‌دانستند عیسی همان مسیح موعود است. اما مرقس در این بخش توصیفی، ترجیح می‌دهد راهکاری را در پیش بگیرد که مخاطبانش، تنش جمعیتی که دور مسیح جمع شده بودند را حس کنند. مردمی که می‌خواستند بدانند این مرد قدرتمند کسیت و برای چه آمده است؟ متأسفانه محققین منتقد، از سکوت عیسی چنین برداشت کردند که او از نقش مسیحایی خود در اوایل خدمتش آگاه نبوده است. اما همانطور که در مرقس ۱: ۱۱ دیدیم، خدا خود به هنگام تعمید عیسی نقش او را به عنوان ماشیح اعلام می‌کند. بنابراین با توجه به این موضوع، سکوت عیسی در این خصوص را می‌توان به عنوان یک راهکار تلقی کرد. مسیح در پی به انجام رساندن هدف خاصی بود و می‌دانست هر قدر مردم بیشتری او از او پیروی کنند، او از هدفش به دورتر خواهد شد.

شرح روایی مرقس، قدرت مسیح را به چهار بخش تقسیم می‌کند. اول، مرقس مقدمه‌ای را ارائه می‌دهد تا آهنگ کلی شرح این بخش از انجیل خود را تعیین کند. دوم، مرقس بر خدمات محلی عیسی در نزدیکی شهر کفرناحوم تمرکز می‌کند. سوم، توضیح می‌دهد که خدمت عیسی به سایر نواحی جلیل توسعه پیدا می‌کند. چهارم،



مرقس گزارش می‌دهد از اینکه در نهایت، خدمات عیسی به نواحی فراتر از جلیل نیز می‌رسد؛ حتی مناطقی که تحت فرمانروایی ام‌ها قرار داشتند. به هر سه این بخش‌ها خواهیم پرداخت. اما در آغاز نگاهی خواهیم انداخت بر مقدمه که در مرقس ۱: ۱۴ - ۱۵ آمده است.

### مقدمه

به خلاصه مرقس از موعظه عیسی در مرقس ۱: ۱۵ گوش کنید:

وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید (مرقس ۱: ۱۵).

مرقس اشاره کرد که هدف اصلی و محوری عیسی در جلیل این بود که انجیل را موعظه کرده و این خبر خوش را اعلام کند که ملکوت خدا نزدیک است و همه آنهایی که توبه کنند و ایمان بیاورند از برکات الاهی برخوردار خواهند شد.

مرقس در طول گزارش از قدرت مسیح، بر خدمات عیسی در استان جلیل و نواحی اطراف متمرکز است یعنی از حوالی شهر کفرناحوم شروع می‌شد و گسترش آن جاهای دیگر خبر می‌دهد. در مقایسه انجیل مرقس با سایر اناجیل، چنین به نظر می‌رسد که مرقس ثبت زمان خدمات عیسی در سایر نقاط را حذف کرده و یا از قلم انداخته است. این حذفیات بیانگر این نکته است که هدف مرقس بیشتر گزارش کارها و خدمات عیسی بوده تا اینکه به ذکر جزئیات سفرهای او بپردازد.

بعد از مقدمه، مرقس خدمت مسیح در حوالی و نزدیکی شهر کفرناحوم از نواحی استان جلیل را توصیف می‌کند که در مرقس ۱: ۱۶ تا ۳: ۶ آمده است.

### نزدیکی کفرناحوم

مرقس گزارش خود را اینطور شروع می‌کند که عیسی اولین شاگردان خود را در باب ۱: ۱۶ - ۲۰ دعوت می‌کند. در این بخش، می‌بینیم که مردم با یک روش و آن هم با اطاعت بی‌چون و چرا به عیسی پاسخ می‌دهند. عیسی به آنها گفت که برای متابعت از او، باید اعمال گذشته خود را ترک کنند و شاگرد او شوند. بعد او خبر خوش انجیل را با تعلیم و انجام معجزات در کفرناحوم اعلام می‌کند که این واقعه در باب ۱: ۲۱ - ۳۴ آورده شده است.

در طول این زمان، شهرت عیسی در تمام سرزمین جلیل گسترش پیدا کرد. در اثر همین شهرت، مردم بسیاری دور عیسی را گرفتند و حتی گاهی مانع فعالیت او در اعلام انجیل می‌شدند. به همین دلیل به دیگران گفت که «ماشیح» بودن او را تبلیغ نکنند.

بعد از همه اینها، عیسی شهر کفرناحوم را ترک کرد و در روستاهای اطراف موعظه و معجزات می‌کرد. این وقایع را می‌توانیم در مرقس ۱: ۳۵ - ۴۵ ببینیم. عیسی به روستاهای اطراف سفر کرد تا از طرفی خبر انجیل خود را با تعلیمات و معجزات خود، گسترش دهد و از طرفی نیز به این خاطر بوده که از دست مردم کفرناحوم که جلوی کار خدمت او را می‌گرفتند رهایی پیدا کند. برای همین، مثل دفعات قبل، به کسانی با آنها ملاقات می‌کرد درخواست کرد که خبرهای مربوط به او را انتشار ندهند.

بعد از آن، مرقس اینطور گزارش می‌دهد که عیسی به کفرناحوم بازگشت و با رهبران یهود بحث و جدل جدی داشت. این موضوع را در مرقس ۲: ۱ تا ۳: ۶ می‌خوانیم.

این بخش از انجیل مرقس به مواردی از قبیل اقتدار مسیح در بخشش گناه، خدمتی که باعث تبری گناهکاران می‌شود و تعالیم او راجع به سبت می‌پردازد و اینکه به عواقب دیگر انتشار شهرت او نیز می‌پردازد یعنی بر تعداد مخالفان او اضافه می‌شود و همین باعث می‌شود که بخواهند به شکل شدیدتری با او برخورد کنند. در اصل، این بخش با پیشگویی مرگ مسیح به پایان می‌رسد. در مرقس ۳: ۶ می‌خوانیم که مخالفان او به قدری عصبانی و خشمگین شده بودند که نقشه قتل او را کشیدند.

عیسی به خاطر موعظات و معجزاتش پذیرفته نشد. وقتی عهد جدید را مورد مطالعه قرار می‌دیم، این فکر به ذهن مان خطور می‌کند که چگونه مردم او رو قبول نکردند؟ چرا متوجه قدرتش نشدند؟ چرا به تعلیماتش گوش ندادند؟ اما تعلیم مسیح ... و چند مورد دیگر باعث شد که مردم او رو رد کنند. یکی از دلایل فروتنی او بود که او آنها اینو نمی‌خواستن. او آنها دنبال پادشاهی زمینی بودند ولی عیسی درباره پادشاهی و ملکوتی حرف می‌زد که وارد قلب مردم می‌شد و زندگی او آنها را متحول می‌کرد. در واقع، قلمرو حکومت او بر قلب انسان‌ها بود. یک دلیل دیگر هم این بود که تعالیم او قلب‌ها را نشان می‌رفت. و طبیعی بود که دشمنانش از معجزاتش متنفر باشند چونکه با تعالیم او موافق نبودند و می‌دونستند که معجزات به نوعی سخنان او را تصدیق و تأیید می‌کنند. بنابراین قلب انسان سقوط کرده هرگز آماده پذیرش تعلیم خدا نبوده و خدمت مسیح یک نمونه بارز این موضوع بود چون اگه نگاه کنین خود خدا بین آدم‌ها اومد ولی اونها ردش کردند.

- دکتر جف لومن

ما اغلب با خواسته‌های شخصی به حضور خدا می‌آییم. اغلب انتظار ما از خدا اینه که چطور باشه و چه کاری بکنه. وقتی خدا خواسته‌های ما رو رد می‌کنه، نمی‌تونیم تحمل کنیم. همین موضوع بود که مردم از مسیح متنفر شدند چونکه دربارهٔ ملکوتی موعظه می‌کرد که با آنچه اونها در ذهن داشتند مطابقت نمی‌کرد. او مسیحی بود که انتظار اونها از مسیحی که باید می‌آمد کاملاً متفاوت بود. عیسی آمد تمام انتظارات اونها را برهم زد و این موضوع قابل قبول نبود. گاهی اوقات عیسی مورد تنفر رهبران مذهبی قرار گرفت چون نقشهٔ او با فکر و نقشه اونها همخوانی نداشت. او از ملکوتی حرف می‌زد که قدرت و اعتبار و موقعیت مذهبی رهبران را از بین می‌برد و اونها این رو نمی‌خواستند. بنابراین هر وقت که ما با خواسته‌های شخصی خودمون با خدا روبرو می‌شیم، در واقع، به جای اینکه با قلبی فروتن به حضور او وارد بشیم، خود را در مقابل و در تضاد با او قرار می‌دیم.

- دکتر اریک. توئیس

حال که اعمال عیسیای مسیح در حوالی شهر کفرناحوم را مورد بررسی قرار دادیم، اجازه بدهید ببینیم او چطور خدمتش را به سایر نواحی استان جلیل گسترش می‌دهد. این موارد در مرقس ۳: ۷ تا ۶: ۱۳ آمده است.

### ناحیهٔ جلیل

تا این مرحله عیسیای مسیح با موعظت خود در نواحی جدیدی، نشان داده بود که ملکوت خدا نزدیک است. او با مسافرت به سایر نواحی اطراف شهر کفرناحوم این ماموریت را به انجام رساند. در این نواحی، درحالی که راجع به توبه و ایمان موعظه می‌کرد و جمع افراد زیادی را مجذوب خود می‌کرد اما بر شدت دشمنی و مخالفت با او نیز اضافه می‌شد.

این بخش با خارج شدن مسیح از انبوه جمعیت آغاز می‌شود که در مرقس ۳: ۷ - ۱۲ آمده است. این پاراگراف با تکیه بر اینکه شهرت عیسی علی‌رغم اینکه خودش نمی‌خواست به همه جا رسیده بود، لحن کل بخش را تعیین می‌کند و جمعیت زیادی که دور او جمع شده بودند مانع خدمت او می‌شدند. به نظر می‌رسد همین مشکل باعث شد که مسیح خدمت خود را به سایر نواحی جلیل نیز گسترش دهد. بخش دیگر این روایت در مرقس ۳: ۱۳ - ۱۹ خبر می‌دهد که عیسی چگونه شاگردان خاص خود را از میان سایر پیروانش انتخاب می‌کند.

او دوازده شاگرد را انتخاب می‌کند تا به او در کار موعظه انجیل و انجام معجزات کمک کنند. اما مرقس به مخاطبان خود این را هم یادآوری می‌کند که یکی از این شاگردان در انتها به عیسی خیانت خواهد کرد. مخالفت با مسیح فقط از طرف دشمنانش نیست بلکه از طرف دوستان نزدیک او نیز هست.

بعد از این است که مرقس گزارش می‌دهد که مسیح از طرف رهبران شریعت و از طرف خانواده خودش هم مورد مخالفت قرار گرفت. این بخش را در مرقس ۳: ۲۰ - ۳۵ می‌خوانیم.

این روایت اینطور نقل می‌کند که مسیح موعظه انجیل و ملکوت را با قوت معجزات اعلام کرد و از هر سو با مخالفت روبرو شد. رهبران مذهبی به جای اینکه او را به عنوان ماشیح پذیرند، اعتقاد داشتند که او به روح شریر تسخیر شده؛ حتی خانواده‌اش هم معتقد بودند او عقلش را از دست داده است.

بعد از بخش، عیسی انجیل را از طریق مثل‌های ملکوت خدا در مرقس ۴: ۱ - ۳۴ اعلام می‌کند.

عیسی معمولاً وقتی بی‌ایمانان او را احاطه می‌کردند، با مثل‌ها تعلیم می‌داد. او این کار را انجام می‌داد تا ملکوت خدا برای کسانی که ایمان می‌آوردند، مکشوف شود و از کسانی که ایمان نمی‌آوردند مخفی بماند. به گفته‌های او خطاب به شاگردان در مرقس ۴: ۱۱ - ۱۲ گوش کنید:

به شما دانستن سر ملکوت خدا عطا شده، اما به آنانی که بیرونند، همه چیز به مثل‌ها می‌شود، تا نگران شده بنگرند و نبینند و شنوا شده بشنوند و نفهمند، مبادا بازگشت کرده گناهان ایشان آمرزیده شود (مرقس ۴: ۱۱ - ۱۲).

متأسفانه، مثل‌های عیسی گاهی شاگردانش را نیز گیج و مبهوت می‌کرد. اما وقتی چنین اتفاقی می‌افتاد، عیسی در خلوت معنی مثل را برای شاگردانش توضیح می‌داد تا مطمئن شود آنها مفهوم آن را درک کنند.

مهم‌ترین نکته مثل‌ها در این بخش از روایت مرقس این است که بگوید پُری ملکوت خدا زمانی اتفاق می‌افتد که فرایند طولانی رشد آرام انتشار انجیل به انجام برسد. عیسی ملکوت خدا را به زمین می‌آورد. اما او این کار را به شکلی طولانی و تأخیری انجام می‌داد و اغلب مستلزم این بود که پیروانش متحمل درد و رنج و مخالفت دیگران شوند؛ درست همانطور که در مورد خودش چنین اتفاقی افتاد.

شرح روایت مثل‌های عیسی با چند مورد از جلوه‌های قدرت او در مرقس ۴: ۳۵ - ۵: ۴۳ ادامه پیدا می‌کند.

در این بخش مرقس گزارش می‌دهد که مسیح بر شرایط آب و هوایی احاطه داشت، دیوها را اخراج می‌کرد، می‌ریضان را شفا می‌داد و مردگان را زنده می‌کرد. در هر کدام از این شرح داستان‌ها مردم در وضعیت ترس و هراس قرار داشتند. اما بعد از اینکه مسیح به شکلی معجزه‌آسا آنها را رهایی می‌داد بر شدت ترس‌شان اضافه می‌شد چون نمی‌دانستند این مرد صاحب قدرت، در حقیقت که بود.

در انجیل، شاگردان و پیروان عیسی مسیح وقتی می‌بینند که او کارهای حیرت‌آور یا معجزات بزرگی انجام می‌دهد، می‌ترسند. برای مثال در مرقس باب ۴، شاگردان گرفتار طوفان شدیدی در دریا می‌شوند. امواج محکم به قایق ضربه می‌زنند و انگار که دارند غرق می‌شوند. اما عیسی روی تشکی خوابیده. شاگردان می‌روند و او را بیدار می‌کنند به این

امید که آنها را نجات دهد و میگن: «استاد، نمی ترسی که غرق بشیم؟» عیسی از خواب بلند میشه و باد و امواج رو آروم می کنه. بنابراین نجات پیدا می کنند. آنها از طوفان ترسیده بودند اما مرقس میگه که «ترس عظیمی اونها را فراگرفته بود.» حال این سوال پیش میاد که چرا ترسیده بودند؟ دیگه طوفانی در کار نبود، دریا آرام شده بود. آنها ترسیده بودند چون می دونستند که تنها کسی که می تونه باد و امواج را آروم کنه، خود کسی که باد و طوفان را آفریده یعنی خود خداست. همین باعث ایجاد ترس در اونها میشه چون، من فکر نمی کنم که هنوز می دونستند که این چه خداییه. این کار اونها غافلگیر کرده بود و هنوز شخصیت عیسی را نمی شناختند.

- دکتر فرانک تیلمن

بعد از این نمایش قدرت، مرقس درباره مخالفتی که اهالی شهر خودش یعنی ناصره با عیسی داشتند در مرقس ۶: ۱-۶ نوشته است. روایت مرقس دوباره تاکید می کند که بسیاری از مردم به شدت در این مرحله از خدمت عیسی با او مخالفت می کنند. حتی با وجود اینکه انجیل همراه با قدرت او انتشار پیدا می کرد و جمعیت پیروان او در حال افزایش بودند اما همشهریانش او و انجیلش را رد کردند.

بالاخره روایت خدمت عیسی در نواحی جلیل با اعزام دوازده شاگرد در مرقس ۶: ۱۳-۷ به پایان می رسد. عیسی دوازده شاگردش را فرستاد تا در سرتاسر سرزمین فلسطین انجیل ملکوت را موعظه کنند و معجزاتی را به انجام برسانند. اما عیسی به صراحت اعلام کرد که وقتی شاگردان انجیل توبه و ایمان را اعلام کنند، مردم درست به همان شکلی که به خود او پاسخ دادند به آنها عکس العمل نشان خواهند داد. بعضی آنها را خواهند پذیرفت، اما بقیه آنها را رد خواهد کرد. عیسی همیشه تعلیم می داد که با وجود همه مخالفتها، ملکوت خدا همیشه گسترش پیدا خواهد کرد.

بعد از گزارش خدمت انجیل عیسی در نزدیکی شهر کفرناحوم و در نواحی جلیل، مرقس توجه مخاطبینش را به قدرت مسیح در خدماتش در آن سوی جلیل در مرقس ۶: ۱۴-۸: ۲۶ جلب می کند.

### آن سوی جلیل

مرقس در گزارش کارهای عیسی در آن سوی جلیل، به بعضی از نکاتی که تاکنون با آنها آشنا شدیم، اشاره می کند. او بر انتشار قدرتمند اعلام ملکوت اشاره می کند و از عکس العمل مشتاقانه جمعیت همراه عیسی و افزایش تعداد مخالفان عیسی نیز گزارش می دهد.

اما مرقس با روشهای تازه‌ای، بیشتر بر موضوع شاگردان متمرکز می شود. او تأکید می کند که چگونه مسیح شاگردان را در برابر مشکلات پیش رو تربیت کرد. مرقس توجه خوانندگان را به بدفهمی‌های شاگردان و شکست در تعهد به مسیح جلب می کند.

گزارش مرقس دربارهٔ خدمت مسیح در آن سوی جلیل با تاکید بر انتشار سریع شهرت او در مرقس ۶: ۱۴-۲۹ آغاز می‌شود.

در گذشته، وقتی عیسی خدمات خود را محدود به نواحی اطراف کفرناحوم کرده بود، شهرتش در تمام نواحی استان جلیل گسترش پیدا کرده بود ولی حالا شهرتش قبل از رسیدن خود او به مکانی خاص، تقریباً در همه جا گسترش یافته بود. همینکه مسیح در حوالی جلیل بود، خبر او در سراسر فلسطین و قلمرو پادشاهی هرود پخش می‌شد. مرقس همچنین از این فرصت استفاده می‌کند تا به طرح سوال هویت عیسی پاسخ دهد. مرقس، به طور مشخص توضیح می‌دهد که عیسی نمی‌توانست همان یحییای تعمیردهنده باشد چراکه هرود پادشاه، یحیی را قبلاً به قتل رسانده بود.

بعد مرقس چندین معجزه در باب ۶ آیات ۳۰ تا ۵۶ را گزارش می‌دهد. این بخش اینطور آغاز می‌شود که عیسی می‌خواهد از انبوه جمعیت دور شود، اما بعد کارهای حاکی از قدرت و اقتدار عیسی به گونه‌ای توصیف می‌شود که دلیل اولیهٔ جمع شدن جمعیت را نشان می‌دهد. عیسی با خوراک دادن به جمعیت ۵۰۰۰ نفری و بعد ۴۰۰۰ نفری و بعد راه رفتن روی دریای جلیل و شفای کوران و کران قدرتش را به نمایش گذاشت. معجزات او قدرت انکارناپذیر او بر تمام خلقت را به نمایش گذاشتند و به دلیل همین معجزات جمعیت انبوهی او را هر کجا که می‌رفت متابعت می‌کردند. حتی بعضی اوقات، قبل از اینکه او به جایی برسد از او سبقت می‌گرفتند.

بعد از معجزات، مرقس در باب ۷ آیات ۱ الی ۲۳ راجع به مخالفت‌های فریسیان گزارش می‌دهد. عیسی با فریسیان بر سر دیدگاه درست راجع به شریعت عهد عتیق، ارزش سنت‌ها و ماهیت تقدس اختلاف نظر شدید داشت. در نتیجه، هر روز بر تنش بین او و گروه‌های بانفوذ یهودی بیشتر می‌شد.

نهایتاً، مرقس در باب ۷ آیات ۲۴ تا باب ۸ آیه ۲۶ از معجزات دیگری گزارش می‌دهد. این بخش با بیانیه‌ای دربارهٔ عیسی آغاز و پایان پیدا می‌کند که گویی عیسی می‌خواهد از مواجهه با تودهٔ مردم جلوگیری کند. در میان این دو بیانیه، چنین روایت می‌شود که عیسی معجزات زیادی را در میان یهودیان و امت‌ها به انجام رساند و حتی چنین نقل می‌شود که که عده‌ای از امت‌ها به او ایمان آوردند.

در میان پرداختن به این مجموعه‌ای از معجزات، مرقس توجه خاصی به ضعف شاگردان عیسی دارد. در ابتدای خدمت عیسی، همانطور که در مرقس ۴: ۱۳ آمده، شاگردان از درک مثل برزگر عاجز ماندند و حالا با گذشت مدتی هنوز قادر به درک تعالیم او نبودند. بنابراین عیسی مستقیماً با آنها برخورد کرد. به روایت مرقس ۸: ۱۴-۱۷ گوش کنید:

[شاگردان] فراموش کردند که نان بردارند و با خود در کشتی جز یک نان نداشتند. آنگاه ایشان را قدغن فرمود که با خبر باشید و از خمیرمایه فریسیان و خمیرمایه هیروودیس احتیاط کنید! ایشان با خود اندیشیده، گفتند: «از آن است

که نان نداریم.» عیسی فهم کرده، بدیشان گفت: «چرا فکر می‌کنید از آن جهت که نان ندارید؟ آیا هنوز نفهمیده و درک نکرده‌اید و تا حال دل شما سخت است؟» (مرقس ۸: ۱۴ - ۱۷).

عیسی راجع به فساد روحانی صحبت می‌کرد اما شاگردان گمان می‌کردند که او راجع به نان و سیر شدن شکم‌شان حرف می‌زند. سخت نیست بفهمیم که چرا عیسی از دست آنها به ستوه آمده بود. معجزات عیسی و تعالیم او در تمام طول گزارش مرقس درباره قدرت عیسی به عنوان ماشیح ثابت کردند که او حقیقا همان مسیح است. پس چرا مردم بسیاری با او مخالفت می‌کردند؟ چرا او را رد کردند؟ چرا حتی شاگردان نیز در پیروی از او دچار بدفهمی شدند؟ دلیل عمده این بود که عیسی شبیه ماشیح مورد انتظار مردم نبود. به جای اینکه عیسی در مقابل نهادها و قدرت‌های سیاسی قیام کند، آنطور که همه انتظار داشتند؛ عیسی از قدرتش برای موعظه انجیل و برآورده کردن نیازهای دیگران استفاده کرد.

شواهد موجود از قرن اول نشون میدن که یهودیان به دنبال مسیح یا ماشیحی سیاسی و نظامی بودند تا او پادشاهی خدا را پایه‌ریزی بکنه؛ رومی‌ها رو بیرون کنه، شکست بده و پادشاهی خدا را با مرکزیت اون در اورشلیم بنیان بذاره. پس می‌بینید که از این لحاظ خیلی ملی‌گرایانه است. اما عیسی هیچ نشانه‌ای که قرار باشه این حس ملی‌گرایانه رو به انجام برسونه از خودش بروز نمیده. بلکه، رویای واقعا خیلی بزرگتری داشت. هیچ ربطی به رومی‌ها نداشت؛ بلکه همه خلقت را در بر می‌گرفت. خلقت سقوط کرده بود و عیسی آمده بود تا این وضعیت رو تغییر بده و ملکوت خدا رو پایه‌ریزی کنه یا دوباره احیا بکنه. این پادشاهی مستلزم پیروزی بر گناه، پیروزی بر شیطان و پیروزی بر مرگ بود. پس عیسی به دنبال چیزی بزرگتر از یک پیروزی سیسی، یا صرفا یک پیروزی نظامی بود.

- دکتر مارک استراس

یهودیان در حدود پانصد، ششصد سال بود که منتظر آمدن کسی بودند که پادشاهی اسرائیل را دوباره احیا کنه. پادشاهی نداشتند؛ استقلالی نداشتند. برای همین، فلسطین قرن اول پر از تنش بود که عیسی هم از راه می‌رسد و پادشاهی را اعلام می‌کنه و اشاره می‌کنه که او همان ماشیحه. یهودیان هم در همین اوضاع و احوال خیلی مترصد شنیدن حرف‌های او هستند. انتظارات اونها چه بود؟ خب، اونها انتظار داشتند که کسی بیاد و هیکل رو دوباره برپا کنه. این شک و ابهام وجود داشت که آیا هیکل آن زمان چون به دست پادشاه بی‌خدا هرود کبیر بازسازی شده بود، آیا می‌توانست همان هیکلی باشد که مورد نظر خدا بود یا نه؟ اما مهمتره از اون این بود که یهودیان آرزو داشتند که خدا خودش اسرائیل را نجات بده تا وعده‌هایی که در عهدعتیق داده بود را عملی کنه. پس این همان چیزی بود به دنبالش بودند اما این به این معنی بود که خُب حالا ما در این وضعیت هستیم، تحت اشغال رومی‌ها، قطعا اگر خدا

بخواد که وعده‌ها رو عملی کنه، باید از شر رومی‌ها خلاص بشیم و احتمالا منتظر استقلال سیاسی بودند. ما در عهد جدید چی داریم؛ عیسی اعلام می‌کنه که همون ماشیح موعوده! همون کسی که قراره هیکل رو دوباره احیا کنه، که در اصل خودش همون هیکل واقعیه، و همانی است که قراره پادشاهی رو برقرار کنه اما عملا قرار نیست که یهودیان پادشاهی سیاسی مستقلی داشته باشند. عملا، قرار نیست عیسی مسیح پادشاه، خداوند همه دنیا باشه. پس، این کمی با آنچه اونها در ذهن داشتند متفاوت بود اما همین تحقق همان وعده بود ولی از یک نگاه بسیار عمیق‌تر از آنچه که وعده داده شده بود.

- دکتر پیتر واکر

مخاطبان اولیه مرقس نیز احتمالا همان تنشی را تجربه کردند که دوازده شاگرد در درک شخصیت عیسی ماشیح احساس می‌کردند. کلیسای روم وقتی تأسیس شد که مسیحیت به خوبی مورد پذیرش قرار می‌گرفت و مانند اغلب کلیساهای اولیه، انتظار داشتند عیسی زودتر بازگشت می‌کند و ملکوت خود را بر زمین به کمال خواهد رساند. اما در عوض، با گذشت سال‌ها جفا و سختی وحشتناکی تحت حکومت نرون بر کلیسا وارد شد. بنابراین مرقس تصریح کرد که عیسی همیشه ماشیحی قدرتمند و توانا خواهد بود حتی اگر او همیشه انتظارات پیروانش را برآورده نکند و از آنجایی که او ماشیح قدرتمند است، ایمانداران می‌توانند یقین داشته باشند که او ملکوتش را در وقت لازم همانطور که وعده داده شده است با پیروزی به کمال خواهد رساند. در عین حال او هنوز خداوند است و می‌تواند ما را در برابر دشواری‌های پیش روی مان حفظ کند.

بعد از روایت نسبتا طولانی مرقس راجع به قدرت ماشیح، به سومین بخش مهم انجیل مرقس می‌رسیم. بخش کوتاهی که به عنوان تأیید مسیح توسط رسولان در باب ۸ آیات ۲۷-۳۰ به ثبت رسیده است.

### تایید مسیح توسط رسولان

یکی از صحنه‌های معروف در انجیل وقتی رقم می‌خورد که عیسی به همراه شاگردان در راه قیصریه فیلیپی حرکت می‌کنند و شاگردان اعتراف می‌کنند که او همان مسیح موعود است. تقریبا همه صاحب‌نظران انجیل مرقس با هم هم‌عقیده‌اند که این قسمت، بخش مرکزی انجیل مرقس را شکل می‌دهد.

در اولین آیات این انجیل آمده است: «ابتدای انجیل عیسی مسیح پسر خدا». عیسی همان «مسیح» بود. اما بعد از آن دیگر در هیچ جای انجیل مرقس کلمه «مسیح» دیده نمی‌شود. مرقس راجع به عیسی به عنوان «مسیح» صحبت نکرده بود. او هیچ گزارشی ارائه نمی‌دهد که شاگردان او را مسیح خطاب کرده باشند یا کسانی که بر او شهادت دادند، شک و ابهامی در «مسیح» بودن او داشته باشند یا حتی دیوها از اصطلاح «مسیح» استفاده کرده باشند.



در واقع، تقریباً همه کسانی که در پی تشخیص هویت عیسی بودند راه را به خطا رفتند. آنها فکر می‌کردند که عیسی فقط یک معجزه‌گر یا پیامبر و یا یحیای تعمیددهنده یا دیوانه یا دیوزده‌ای است که به روح بلزبول تسخیر شده بود. اما همین موقع بود که عیسی تصمیم گرفت مصرانه از شاگردانش بخواهد که هویت او را اعلام کنند و تصدیق کند که او حقیقتاً کیست؟ به مکالمه آنها در مرقس ۸: ۲۷-۲۹ گوش کنید:

و عیسی با شاگردان خود به دهات قیصریه فیلیپس رفت. و در راه از شاگردانش پرسیده، گفت که مردم مرا که می‌دانند؟ ایشان جواب دادند که یحیای تعمید دهنده و بعضی الیاس و بعضی یکی از انبیا. او از ایشان پرسید: «شما مرا که می‌دانید؟» پطرس در جواب او گفت: «تو مسیح هستی» (مرقس ۸: ۲۷-۲۹).

شاگردان پس از ۸ باب مشاهده شواهد، سرانجام ایمان خود را بر «مسیح» یا «ماشیح» بودن عیسی یعنی کسی که پادشاهی خدا را به همراه آورده بود تصدیق کردند. بعد از تایید رسولان بر ماشیح، چهارمین بخش اصلی انجیل مرقس به رنج ماشیح می‌پردازد. این بخش در ۸: ۳۱-۱۵: ۴۷ دیده می‌شود.

مرقس در نیمه اول انجیل بر خود خدمت عظیم عیسی تاکید می‌کند که به تایید پرچالی می‌انجامد که نشانگر آن است که او همان مسیح موعود است. اما حالا، مرقس بر جنبه متفاوتی از کار «مسیح» وار عیسی تاکید می‌کند یعنی بر رنج و مرگ او در اورشلیم.

### رنج ماشیح

توضیح مرقس درباره رنج ماشیح به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: آماده‌سازی شاگردان برای رنج و مرگ عیسی، مقابله او با رهبران یهود در اورشلیم که باعث نقشه رنج و مرگ او شد و در نهایت تجربه رنج و مرگ او. ما تمام این بخش‌ها را بررسی خواهیم کرد. اول، به آماده‌سازی او در مرقس ۸: ۳۱-۱۰: ۵۲ می‌پردازیم.

### آماده‌سازی

بخش مربوط به آماده‌سازی شاگردان را می‌توان به سه بخش اصلی تقسیم کرد که هر کدام از این بخش‌ها با پیشگویی رنج، مرگ و قیام آغاز می‌شود. بخش اول که از مرقس باب ۸ آیه ۳۱ شروع می‌شود و تا باب ۹ آیه ۲۹ ادامه پیدا می‌کند بر عیسی به عنوان خداوند ملکوت تاکید دارد.

مرقس روایت خود را با گزارش روش دور از انتظار عیسی برای برقراری پادشاهی پرچالی خدا بر زمین یعنی همان رنج، مرگ و قیام عیسی شروع می‌کند که این روایت در مرقس ۸: ۳۱-۹: ۱ آمده است. در کل این

بخش، عیسی دربارهٔ رنج خود صحبت می‌کند و به شاگردان خود هشدار می‌دهد که در پیش گرفتن خدمت انجیل او، برای آنها رنج را به همراه خواهد داشت.

بعد از قسمت، با گزارش اتفاقی موسوم به «تبدیل هیات عیسی» در مرقس ۹: ۲-۱۳ توجه ما را به اقتدار بی‌نظیر عیسی جلب می‌کند. در این واقعه، جلال عیسی آشکارا بر پطرس، یعقوب و یوحنا نمایان می‌شود. موسی و ایلیا نیز در این صحنه همراه عیسی ظاهر می‌شوند که نشان می‌دهد تعالیم عیسی در راستای شریعت بوده و او شریعت و انبیای عهد عتیق را تایید می‌کند. اما خدا به شاگردان دستور می‌دهد که عیسی را حتی بیشتر از موسی و ایلیا احترام و اطاعت کنند. این واقعه شاگردان را آماده کرد تا فراتر از دیگران به عیسی وفادار بمانند و به آنها نشان داد که وفاداری به عیسی ناب‌ترین نوع وفاداری به خدا و مکاشفات عهد عتیق اوست.

در نهایت، مرقس به قدرت خاص عیسی و توانایی او در مهار دیوها در باب ۹ آیات ۱۴ تا ۲۹ تاکید می‌کند. شاگردان عیسی نتوانستند نوع خاصی از دیو را بیرون کنند و عیسی به آنها یاد داد که برای خارج کردن چنین دیوی باید دعا کنند. اما عیسی نشان داد که خودش قادر است تنها با یک فرمان ساده دیو را خارج کند. با این کار، عیسی برتری خود را نسبت به دیگران نشان داد و به شاگردان اطمینان داد که از قدرت نامحدودی در به انجام رساندن اراده‌اش برخوردار است. با وجود تمام ترس و شکی که قرار بود در زمان کشته شدن عیسی تجربه کنند، قدرت او می‌توانست آنها را تشویق کند تا در ایمان به او استوار بمانند.

بخش دوم از نوشته‌های مرقس درباره آماده سازی عیسی برای رنج، مرگ و قیامش به ارزش‌های ملکوت خدا می‌پردازد و در باب ۹ آیه ۳۰ تا باب ۱۰ آیه ۳۱ آمده است.

این بخش هم مشابه تمام بخش‌های آماده‌سازی عیسی برای اورشلیم از پیشگویی عیسی دربارهٔ رنج، مرگ و قیام شروع می‌شود. این به ما کمک می‌کند تا متوجه شویم که مرقس هنوز بر آماده‌سازی شاگردان برای این وقایع تأکید می‌کند. بعد از این پیشگویی، عیسی با توضیح اینکه داوری خدا متفاوت از داوری انسان‌هاست به آماده کردن شاگردانش ادامه می‌دهد. بنابراین آنها علی‌رغم رنجی که متحمل می‌شدند و اتفاقات عجیبی که برای شان رخ می‌داد نباید مثل جهان داوری می‌کردند. بلکه باید اطمینان داشته باشند که خدا از این اتفاقات برای برقراری ملکوت و جلال عیسی استفاده می‌کند.

بعد از پیشگویی‌های عیسی در باب ۹ آیات ۳۰ و ۳۱ مرقس به تعالیم عیسی دربارهٔ ارزش‌های ملکوت می‌پردازد. در این بخش عیسی توضیح می‌دهد که چگونه درک دنیوی با حقایق خدا در پنج حوزهٔ زندگی در تضاد است.

اول اینکه عیسی دربارهٔ بزرگی در باب ۹ آیات ۳۲ تا ۴۲ صحبت کرد و اشاره کرد که کسی در ملکوت بزرگتر است که در این زندگی کمتر مورد احترام و بزرگی قرار گرفته باشد.

دوم اینکه عیسی دربارهٔ ارزش در باب ۹ آیات ۴۳ تا ۵۰ صحبت کرد. عیسی به طور خاص به پیروانش تاکید کرد که از هر چیزی که آنها را از دنبال کردن اهداف ملکوت خدا دور می‌کند، بدون توجه به ارزش ظاهری آن در این زندگی دوری کنند.

سوم اینکه عیسی دربارهٔ ازدواج در باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۲ صحبت کرد. نکتهٔ او این بود که ازدواج و طلاق باید بر اساس قوانین خدا باشند و نه بر اساس قوانین انسانی؛ هرچند که قوانین بشر به نظر منصفانه‌تر برسند. چهارم اینکه عیسی دوباره در باب ۱۰ آیات ۱۳ تا ۱۶ راجع به کودکان صحبت کرد. علی‌رغم آنچه عیسی قبلاً گفته بود باز هم شاگردان از نزدیک شدن کودکان به او جلوگیری کردند. عیسی در پاسخ به این کار، به آنها یادآوری می‌کند که خداوند ملکوت خود را به چنین کودکانی داده است. در نتیجه شاگردان با رد کردن کودکان در واقع با خداوند مقابله می‌کردند.

و پنجم اینکه عیسی دربارهٔ ثروت در باب ۱۰ آیات ۱۷ تا ۳۱ صحبت کرد. این همان داستان معروف جوان ثروتمندی است که به خاطر گفتهٔ عیسی مبنی بر اینکه چسبیدن به پول مانع به دست آوردن ارزش‌های ملکوت خدا می‌شود، دلسرد شد.

در هر کدام از این بخش‌ها عیسی ارزش‌های ملکوت خداوند را توضیح می‌دهد تا اینکه شاگردان بتوانند مرگ و رنج او را بپذیرند و همچنین سختی‌های ناشی از پیروی او را تحمل کنند. سومین بخش از نوشته‌های مرقس در باب ۱۰ آیات ۳۲ تا ۵۲ که دربارهٔ آمادگی برای اورشلیم است به رهبری در ملکوت خدا می‌پردازد.

عیسی پس از پیشگویی دربارهٔ رنج، مرگ و قیام که در باب ۱۰ آیات ۳۲ تا ۳۴ آمده، این بار رهبری در ملکوت خدا را در سه بخش توضیح می‌دهد.

اول، در باب ۱۰ آیات ۳۵ تا ۴۰ اعلام کرد که یعقوب و یوحنا باید در دردهای او شریک شوند. آنها از پیاله‌ای که او نوشیده خواهند خورد و همان تعمیم او را خواهند گرفت. این استعارات به طور ضمنی اشاره می‌کردند که پیروان عیسی به خاطر خدمت او، در رنج‌های او شریک خواهند شد.

دوم اینکه در باب ۱۰ آیات ۴۰ تا ۴۵ عیسی رهبری در ملکوت را یک نوع خدمت می‌خواند. او قبلاً این موضوع را دو بار و زمانی که در مورد ارزش‌های ملکوت صحبت می‌کرد بیان کرده بود. اما این اولین باری بود که راز در پس آن را تشریح می‌کرد: رهبران مسیحی باید خادم باشند چون الگوی آنها خود مسیح است، کسی که مثل یک خادم رنج و مرگ به خاطر گناه را به جان خرید.

سوم اینکه عیسی با نشان دادن رحمت خود به بارتیمائوس نابینا انگیزه خدمت رهبری را نشان داد. رهبران خادم، تنها به این خاطر که در ملکوت پاداش بیشتری بگیرند فداکاری نمی‌کنند بلکه به این که نشان دهند دلسوز کسانی هستند که آنها را خدمت می‌کنند.

عیسی از رهبران مسیحی می‌خواهد که متفاوت باشند و خادمین مردمشون باشند. در این متن بی‌نظیر در انجیل مرقس باب ۱۰ آیه ۴۵، عیسی بین شکل رهبری که پیروانش باید از اون الگو بگیرند با آنچه که در فرهنگ یونانی-رومی موجود هست تمایز قایل شد. الگوی رهبری غالب در زمان مرقس الگوی رومی بود ولی عیسی گفت که: «نیامده‌ام تا خدمت کرده شوم بلکه تا خدمت کنم و زندگی خویش را برای بسیاری فدیہ نمایم.» بنابراین عیسی از پیروانش می‌خواهد تا از این الگو پیروی کنند یعنی مثل یک خادم رهبری کنند و از معیار رهبری رومی حاکم در زمان در زمان مرقس پیروی نکنند.

- دکتر گرگ پری

عیسی تأکید می‌کند که رهبری در ملکوت خدا نمی‌تواند از نمونه دنیوی رهبری الگو برداری کند. بلکه باید از رنج او الگو بگیرد.

شاید این حکم به نوعی مخاطبان مرقس را در روم دلسرد کرده باشد. به جای اینکه به آنها اطمینان داده می‌شد که این زحمات غیرمعمول و زودگذرند، به آنها گفته شد که تحمل رنج بخشی عادی از پیروی از مسیح است. از طرفی، این اخبار می‌توانست امیدوارکننده هم باشد. رنج کلیسا بخشی از نقشه مسیح برای پیروزی است. همانطور که پولس در رساله خود به رومیان باب ۸ آیه ۱۸ می‌نویسد:

زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است (رومیان ۸: ۱۸).

بعد از اشاره به آماده‌سازی شاگردان توسط عیسی، مرقس به سراغ رویارویی عیسی با رهبران یهود در باب ۱۱ آیه ۱ تا باب ۱۳ آیه ۳۷ می‌رود.

## رویارویی

نوشته‌های مرقس درباره این رویارویی به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: اول روایت مخالفت‌ها در ۱۱: ۱-۳۷.

در این بخش از انجیل، مرقس گزارش می‌دهد که عیسی چگونه با رهبران یهود برخورد می‌کند. در بخش‌های قبلی انجیل مرقس، عیسی به دنبال رویارویی با رهبران یهود نیست و فقط در برابر مخالفت عده‌ای که با خدمت رحمت او مخالفت می‌کردند مورد مخالفت قرار گرفته بود. اما در این بخش، مرقس گزارش کرد که عیسی به صورت فعال به دنبال مخالفت بود تا این کار به مصلوب شدن او ختم شود.

اول، ورود مظفرانه عیسی به اورشلیم در باب ۱۱ آیات ۱ تا ۱۱ نشان داد که او همان ماشیح و پادشاه راستین اسرائیل است.

بعد او اسرائیل را که مثل درخت انجیر خشک شده بود در باب ۱۱ آیات ۱۲ تا ۱۴ و ۲۰ تا ۲۵ سرزنش کرد و با پاک کردن هیكل در آیات ۱۵ تا ۱۹ مستقیماً به جایگاه معنوی رهبران یهود حمله کرده و موقعیت و نفوذ آنها را در میان مردم سست کرد.

همچنین عیسی با کاهن اعظم، معلمین شریعت و مشایخ در باب ۱۱ آیات ۲۷ تا باب ۱۲ آیه ۱۲ بحث می‌کند. بعد از اینکه عیسی ادعای آنها را علیه اقتدار خودش را دفع کرد، به بیان مثل باغبان‌های ظالم پرداخت که رهبران قوم را به شورش علیه خدا متهم می‌کرد. در این لحظه بود که آنها آماده دستگیری او شدند ولی به خاطر ترس از جمعیت این کار را نکردند.

بعد عیسی در باب ۱۲ آیات ۱۳ تا ۱۷ با فریسیان بحث کرد و آنها را رد کرد و همچنین با هیرودیان در مورد مالیات به رومیان مباحثه کرد.

پس از این موارد، در مرقس باب ۱۲ آیات ۱۸ تا ۲۷ می‌بینیم که چطور عیسی به صدوقیان ثابت می‌کند که برداشت آنها در مورد قیامت غلط است.

و نهایتاً او به معلمین شریعت در باب ۱۲ آیات ۲۸ تا ۴۴ تاخت. علی‌رغم اینکه عیسی تأیید کرد که برخی از آنها شریعت را به خوبی می‌دانند ولی تأکید کرد که طمع و جاه‌طلبی دنیوی آنها را تحت کنترل خود در آورده است.

عیسی به هر طریقی سعی کرد تا با یهودیان با نفوذ، مثل کاهنان، معلمین شریعت، فریسیان، هیرودیان و صدوقیان در انظار عمومی روبرو شود. عیسی به هر یک از این گروه‌ها بهانه‌ای می‌داد تا از او متنفر شوند و خواستار مرگ او باشند.

دومین بخش اصلی از رویارویی عیسی با رهبران یهود، گفتگوی بین او و شاگردانش بود. این گفتگو به موعظه زیتون معروف است چون این موعظه روی کوه زیتون اتفاق افتاد که به طور کلی در باب ۱۳ آیات ۱ تا ۳۷ آمده است. عیسی در این بخش به شاگردان از سختی‌های پیش رو هشدار می‌دهد تا غافلگیر نشوند. او به آنها گفت که حاکمان از آنها خواهند خواست تا درباره او شهادت بدهند. آنها را خواهند زد و مورد نفرت قرار خواهند گرفت.

زندگی و خانواده‌های‌شان از هم خواهد پاشید. از حوادث طبیعی و آزمایشات سختی را تجربه خواهند کرد. در واقع، عیسی آشکارا تعلیم می‌دهد که رنج و جفا از مشخصات اصلی کلیسا تا زمان بازگشت او خواهد بود. اما عیسی به شاگردان این امید را می‌دهد که در نهایت پیروزی نهایی ملکوت از آن آنها خواهد بود. برای مثال، در باب ۱۳ آیات ۲۶ تا ۲۷، عیسی به آنها وعده می‌دهد که اگر به او وفادار بمانند وقتی که ملکوت خود را در جلال و قوت بر پا کند، پیروز بزرگی در انتظار آنها خواهد بود. می‌شد حدس زد که عیسی با ادامه سخنانش با شاگردان، رهبران یهود را بیشتر علیه خود بر می‌انگیخت. برای مثال، در باب ۱۳ آیات ۱ و ۲ عیسی به شاگردان می‌گوید که هیکل خدا ویران خواهد شد. اما همانطور که در باب ۱۴ آیه ۵۸ می‌بینیم این سخن عیسی سوتعبیر می‌شود و نهایتاً از همین مسئله علیه او در دادگاه استفاده می‌شود. حال که نگاه مرقس از رنج مسیح در قالب آماده‌سازی شاگردان و مقابله او با رهبران یهود را مشاهده کردیم، اکنون به تجربه رنج و مرگ عیسی را در مرقس باب ۱۴ آیات ۱ تا باب ۱۵ آیه ۴۷ می‌پردازیم.

### تجربه

تجربه زحمات و مرگ مسیح پر از اتفاقات مشهوری است مثل: خیانت یهودا، پیشگویی انکار پطرس، ناتوانی شاگردان در بیدار ماندن و دعا در باغ جتسیمانی، دستگیری عیسی، دو مرتبه آزمایش شدن پطرس و موضوع انکارش و نهایتاً مصلوب شدن و تدفین عیسی.

این فصول انجیل مرقس ترسناک و تیره و تاری هستند و حال و هوایی دلهره‌آور دارند و پر از شکست و قصور هستند مثل: شکست رهبران یهود، شکست جمعیت، قصور نظام حکومتی رومیان و یهودیان و قصور شاگردان. مرقس با نوشتن این مطالب به کلیسای جفا یده روم نشان می‌داد که شکل‌گیری مسیحیت در اورشلیم پرزحمت بوده است.

نوشته‌های مرقس درباره تجربه مسیح از رنج و مرگ را می‌توان به چهار بخش اصلی تقسیم کرد. بخش اول شامل تدهین مسیح برای تدفین او در ۱:۱۴-۱۱ آمده است.

در این بخش، مرقس به چند نکته بسیار مهم اشاره می‌کند. اولین مورد این است که بنا به گفته او کاهنان اعظم و معلمین شریعت در پی راهی بودند تا عیسی را دستگیر و به قتل برسانند. دوم اینکه زنی با عطری گرانبها، عیسی را تدهین کرد، طوری که درباره او می‌گوید که این زن او را برای تدفین، تدهین کرد. به این ترتیب، عیسی اعلام می‌کند که در آینده‌ای نزدیک کشته خواهد شد. سوم اینکه یهودا دسیسه‌چینی خود را برای خیانت به عیسی و تحویل او به کاهنان اعظم و معلمین شریعت آغاز می‌کند. می‌توان این اتفاق را نقطه عطفی در داستان رنج و مرگ عیسی دانست. مرگ او دیگر یک تهدید مبهم نبود و به یک واقعیت قریب‌الوقوع تبدیل شده بود.

سپس مرقس درباره ساعات پایانی همراهی عیسی با شاگردان در باب ۱۴ آیات ۱۲ تا ۴۲ گزارش می‌دهد. این بخش از روایت مرقس در باب ۱۴ آیه ۱۲ تا ۳۱ به آماده شدن عیسی و شاگردان برای شام آخر می‌پردازد. در این شام بود که عیسی اصول شام خداوند را بنیان می‌گذارد. او همچنین از این فرصت برای آماه کردن نهایی شاگردان برای رنج و مرگش استفاده می‌کند. برای مثال، به آنها یادآور شد که همگی آنها از او جدا خواهند شد و پیشگویی می‌کند که پطرس او را انکار خواهد کرد.

همانطور که در باب ۱۴ آیات ۳۲ تا ۴۲ می‌بینیم این گروه بعد از شام به باغ جتسیمانی می‌روند. بر اساس این متن عیسی تا حد مرگ پریشان شد. مشخص بود که انتظار مصلوب شدن برای او بسیار رنج‌آور بوده است. سومین بخش از نوشته‌های عیسی در مورد تجربه رنج و مرگ عیسی به دستگیری و محاکمه او در باب ۱۴ آیه ۴۳ تا باب ۱۵ آیه ۱۵ می‌پردازد.

این بخش با خیانت یهودای اسخریوطی در باب ۱۴ آیات ۴۳ تا ۵۲ شروع می‌شود. بعد با محاکمه در مقابل رهبران یهود در باب ۱۴ آیات ۵۳ تا ۶۵ ادامه پیدا می‌کند. در باب ۱۴ آیات ۶۶ تا ۷۲ درباره انکار پطرس می‌خوانیم که عیسی را می‌شناخت و از وی پیروی می‌کرد و در نهایت محاکمه عیسی در مقابل فرماندار رومی یعنی پیلاتس در باب ۱۵ آیات ۱ تا ۱۵ را مشاهده می‌کنیم.

بعد از تحقیرها و توهین‌ها، عیسی راشلاق می‌زنند و به دست سربازان رومی سپرده می‌شود تا مصلوب شود. چهارمین بخش از نوشته‌های مرقس درباره رنج و مرگ عیسی شامل مصلوب شدن اوست که در باب ۱۵ آیات ۱۶ تا ۴۷ آمده است.

این بخش با سپردن عیسی به دست سربازان رومی برای زدن، توهین کردن و کشتن او بر روی صلیب مثل یک مجرم عادی آغاز می‌شود. از نگاه انسانی رنج عیسی بسیار دردآور و غیر قابل تحمل بود. زحماتی که عیسی از دست رومیان متحمل شد ارتباط نزدیکی با اتفاقاتی داشت که مخاطبان مسیحی مرقس در روم با آنها روبرو بودند. آنها بی‌درنگ متوجه می‌شدند که زحمات آنها شباهت زیادی با زحمات عیسی داشته و به آنها این انگیزه را می‌دهد تا در برابر مشکلات خودشان تحمل کنند.

اما بدترین چیزی که عیسی را رنج می‌داد، گناه کل جهان بود که بر او قرار گرفت و همین بود که باعث شد مورد خشم خدای پدر قرار بگیرد. سر انجام، بعد از مرگ، او را در قبر گذاشتند ولی جسدش برای تدفین آماده نبود چون وقت زیادی تا روز سبت باقی نمانده بود.

حالا که به سخنان مسیح، قدرت مسیح، تأیید شاگردان و رنج ماشیح نگاهی انداخیم، آماده‌ایم تا به پیروزی ماشیح بپردازیم که در مرقس باب ۱۶ آیات ۱ تا ۸ آمده است. اینجاست که مرقس قیام خداوند را به تصویر می‌کشد.

### پیروزی ماشیح

قبل از اینکه به محتوای این بخش بپردازیم، اول باید توضیح بدهیم که چرا از نظر ما انجیل مرقس در باب ۱۶ آیه ۸ به پایان می‌رسد. چون اکثر کتاب‌مقدس‌های ما در این باب ۲۰ آیه دارند. اما اکثر آنها نیز توضیح داده‌اند که آیات ۹ تا ۲۰ در نسخ قدیمی و معتبر انجیل مرقس دیده نمی‌شوند.

در نسخ یونانی قدیمی از انجیل مرقس سه پایان متفاوت وجود دارد. یک دسته از نسخه‌ها در آیه ۸ به پایان می‌رسند. دومین دسته در آیه ۲۰ به پایان می‌رسند و در دسته سوم دو جمله پایانی بعد از آیه ۸ وجود دارند. ارزیابی دقیقی که بر اساس تمامی مدارک صورت گرفته محققین را به این نتیجه‌گیری سوق داده که انجیل مرقس در آیه ۸ به پایان می‌رسد. قدیمی‌ترین و مهم‌ترین نسخه، پایان کوتاه را به عنوان نسخه اصلی مشخص کرده است.

بسیاری از محققین کتاب‌مقدس بر این باورند که دو پایان متفاوت برای انجیل مرقس به این خاطر اضافه شده که کاتبان آنها نمی‌خواستند انجیل را با جمله «زیرا می‌ترسیدند» به پایان برسانند. اما این ادعا ثابت شده نیست. در واقع، مضامین ترس، وحشت و حیرت در طول این انجیل بسیار دیده می‌شود. به همین دلیل است که تأکید بر ترس در پایان این انجیل بسیار مناسب است. در واقع، این مضمون با تجارب مخاطبان اصلی انجیل مرقس هم همخوانی داشت. چون آنها بعد از قیام عیسی مورد جفا قرار گرفتند این موضوع که شاگردان اولیه عیسی نیز چنین ترس‌هایی را تجربه کرده بودند می‌توانست مایه تسلی آنها باشد.

حال اجازه دهید تا به موضوع قیام عیسی در مرقس باب ۱۶ آیات ۱ تا ۸ بپردازیم. موضوع قیام عیسی در این انجیل کوتاه‌تر از سایر اناجیل است اما این روایت مختصر کاملاً با شکل کلی این انجیل متناسب است. همانطور که به یاد دارید اعلام ماشیح در ابتدای این انجیل و تایید رسولان که بخش اصلی این انجیل را تشکیل می‌دادند نیز همگی کوتاه بودند.

در این بخش، پیروزی ماشیح با آمدن زنانی بر سر قبر به جهت تدهین در روز سوم پس از مرگ و تدفین عیسی شروع می‌شود. آنها با فرشته‌ای روبرو می‌شوند که پیامش روشن و واضح بود. عیسی همانطور که در طول خدمتش بارها اعلام کرده بود بر مرگ غالب شده بود و پیروزمندانه قیام کرده بود. به پایان انجیل مرقس در باب ۱۶ آیات ۶ تا ۸ گوش کنید:

فرشته گفت: ترسان مباشید! ... او برخاسته است! در اینجا نیست. آن موضعی را که او را نهاده بودند، ملاحظه کنید. ... پس بزودی بیرون شده از قبر گریختند زیرا لرزه و حیرت ایشان را فرو گرفته بود و به کسی هیچ نگفتند زیرا می‌ترسیدند (مرقس ۱۶ : ۶ - ۸).



پاسخ زنان در متن روایت مرقس کاملاً قابل پیش‌بینی بود: آنها ترسیده بودند. تقریباً هر کس در این انجیل در برابر حضور قدرتمند خدا با وحشت، حیرت و ترس پاسخ می‌دهد.

به زنان دستور داده شد تا بروند و خبر قیام عیسی را اعلام کنند ولی آنها به جای این کار ترسیدند و فرار کردند و به کسی چیزی نگفتند. این به اصطلاح روش نوشتار غیرمبالغه‌گر مرقس هست. اما امروز که ما بعد از دو هزار سال این متن را می‌خوانیم، می‌دانیم که این پایان داستان نبوده. می‌دانیم که حقیقت خدا پیروز شده. و این چیزی شبیه رد گم‌گنی ایه که به دفعات در کتاب مقدس می‌بینیم که ضعف انسانی در تقابل با وفاداری و هدف‌های خدا قرار گرفته.

– دکتر رابرت پلامر

قوم خدا ضعف و نیاز را در این زندگی تجربه خواهند کرد. این موضوع برای مخاطبان اصلی مرقس در روم مصداق داشت و در مورد کلیساهای تمام ادوار نیز صادق است. اما خبر خوش انجیل این است که ملکوت خدا آمده است. ماشیح بر دشمنان قوم خدا حتی بر دشمن نهایی یعنی مرگ غالب شده است. به همین خاطر قوم خدا می‌تواند جسورانه با دشمنان انجیل ملکوت مقابله کند. این پیروزی پیشتر از آن ماست. حال که نگاهی به ساختار، محتوا و پیشینه انجیل مرقس انداختیم، حالا می‌توانیم به مضامین اصلی آن پردازیم.

## مضامین اصلی

بی‌شک شخصیت عیسی به عنوان ماشیح یا همان مسیح یکی از مهم‌ترین مضامین است که مرقس در انجیل خود به کار برده است. او می‌خواست خوانندگانش حقیقتاً در یابند که مسیح آمد تا آنها را از گناهان‌شان نجات بدهد. عیسی پادشاهی بود که بر مرگ غلبه کرد. او قدرتمند، مهیب، شکست‌ناپذیر و پر جلال بود. او نجات‌دهنده‌ای بود که بر زمین آمد تا با آوردن ملکوت خدا بر زمین آنها را نجات دهد و علی‌رغم اینکه دیگر نمی‌توانستند او را ببینند ولی هنوز اختیار همه چیز را به دست داشت و وعده داده بود که باز می‌گردد و نجاتی را که آغاز کرده بود، به اتمام خواهد رساند.

به همین دلایل در این درس مضمون «ماشیح» بودن عیسی را به دو بخش تقسیم می‌کنیم. اول، عیسی را ماشیحی در نظر می‌گیریم که خادمی رنج‌دیده است. بعد او هویت مسیحایی او را در قالب پادشاهی فاتح بررسی خواهیم کرد. بیایید کار را با عیسی در نقش خادم رنج‌دیده شروع کنیم.

### خادم رنج دیده

بحث ما دربارهٔ خادم رنج دیده به سه بخش تقسیم می‌شود. اول اینکه به برخی از انتظارات یهودیان از مسیح می‌پردازیم. دوم اینکه به اختصار به ذات خدمت عیسی به عنوان خادم رنج دیده نگاهی خواهیم انداخت و در سومین بخش در مورد عکس‌العمل مناسبی که مرقس می‌خواهد تا خوانندگان از نقش «مسیحایی» عیسی داشته باشند، بحث خواهیم کرد.

بیاید اول به انتظارات متداول یهودیان از «ماشیح» در روزگار عیسی نگاهی بیندازیم.

### انتظارات یهودیان

چهارصد سال قبل از مسیح، بخشی بزرگی از اسرائیلیان خارج از سرزمین وعده زندگی می‌کردند و تعداد کمی هم که در سرزمین وعده باقی مانده بودند زیر حکومت استبدادی ام‌ها در عذاب بودند. ابتدا بابلی‌ها و بعد مادها و پارسیان و بعدها یونانیان و نهایتاً رومیان بر آنها سلطه داشتند. این دورهٔ طولانی رنج و عذاب، الیهیدانان یهود را مجاب کرده بود تا تأکید کنند بر اساس پیشگویی‌های عهدعتیق خدا نهایتاً مسیح آزادی‌بخش خود را خواهد فرستاد تا پادشاهی یهود را از نو تشکیل دهد.

امید یهودیان از مسیح اشکال گوناگونی داشت. مثلاً گروه غیوران اعتقاد داشتند که خدا از اسرائیل می‌خواهد تا با رهبری مسیح علیه قدرت روم قیام کنند. گروه‌های معتقد به مکاشفات بر این باور بودند که خداوند به شکل ماورای طبیعی دخالت کرده و دشمنان را نابود و قوم را رهایی خواهد داد. عده‌ای شریعت‌باور هم، مثل فریسیان معتقد بودند که تا قوم شریعت را حفظ نکند خداوند هیچ دخالتی نخواهد کرد. بنابراین در روزگار عیسی، عدهٔ بسیاری چشم‌انتظار و منتظر ظهور مسیح بودند.

او مثل خادمی فروتن و رنج‌دیده آمد. یهودیان منتظر برپاشدن پادشاهی سیاسی زمینی تحت سلطهٔ ماشیح بودند یعنی مثل پادشاهی که داوود قرن‌ها پیش برپا کرده بود. اما عیسی در طول زندگی خود هیچ تلاشی برای برقراری چنین حکومتی نکرد. همین باعث شد تا بسیاری او را به عنوان ماشیح نپذیرند.

جالب اینجاست که آمدن ماشیح به عنوان خادمی رنج‌دیده چیز جدیدی نبود. اشعیا در عهدعتیق در مورد نقش ماشیح سخن گفته بود، به خصوص در اشعیا ۵۳ که در عهد جدید بسیار به آن اشاره شده است. می‌توان ادعا کرد که اگر عیسی بر زمین زحمت ندیده و خدمت نکرده نبود، ویژگی‌های مسیح یا ماشیحی که در عهدعتیق آمده را نداشت. بنابراین زحمتی که عیسی در خدمتش متحمل شده است گواهی بر ماشیح بودن اوست. اما عده کمی در زمان حیات عیسی توانسته بودند تا این مضمون عهدعتیق را درک کنند و بسیاری از آنها نظر یهودیان شکاک هم عصر خود در مورد ماشیح را پذیرفته بودند.

روشنه که موضوع مسیح موعود در عهد عتیق بسیار مهمه. ماشیح همان کسی است که مسح شده، یا همان پادشاه مسح شده است. سوال جالبی اینجا مطرحه که اگر قوم اسرائیل مطیع بود و دنبال پادشاه انسانی نبود، اونوقت مسیح چطور می‌آمد؟ اما اوضاع به این منوال نبود. به همین دلیل می‌بینید که همه کسانی که پی در پی اومدند «مسح شده» بودن، اهمیتی برای مردم خودشون قایل نبودند و عدالت خدا در دنیا برقرار نکردند و افراد خودمحوری بودند. همین باعث شده بود که این به صورت یک آرزوی دیرینه در عهد عتیق تبدیل بشه یعنی مردم بگن: «نمی‌شد ماشیحی داشتیم که مثل همون ماشیح موعود باشه؟» برای همین تصویری از پادشاهی بود که داشت می‌آمد اما به طور خاص در اشعیا ارتباط فوق‌العاده‌ای بین آمدن ماشیح و روح‌القدس وجود داره. مردم عهد عتیق فقط در آرزوی یک ماشیح یا مسیح نبودند؛ اونها در آرزوی روح‌القدسی بودند که می‌آمد و به اونها قدرت می‌داد تا از تورات اطاعت کنند. پس دیدن اینکه اشعیا بین مسیح و روح‌القدس چه ارتباطی قائل شده بسیار جالبه. «او از روح پر خواهد بود؛ او بوسیله روح مسح خواهد شد. او کسی است که به روح القدس سخن می‌گوید.» بنابراین وقتی مسیح به شاگردان میگه که در اورشلیم بمانند تا وعده پدر را دریافت کنند، تعجب نمی‌کنن. بالاخره مسیح حرفی زد که انتظارش رو داشتند از ماشیح بشنوند. یعنی بگه: «من روح‌القدس رو براتون آوردم.» اونچه شاگردان نمی‌دانستند، هزینه‌ای بود که مسیح باید برای برقراری این عصر از عدالت خدا و عصر روح‌القدس پرداخت می‌کرد. آنها ارتباطی بین اشعیا ۵۳ با اشعیا ۱۱ قایل نشدند. اونها این دو واقعیت رو که مسیح باید جانش رو برای آوردن ملکوت عدالت و صلح و زندگی در عصر روح‌القدس بده به هم پیوند نداده بودن.

- دکتر جان ازوالت

با دانستن انتظارات یهودیان بهتر است سراغ خدمت مسیح به عنوان خادمی رنج دیده برویم.

### خدمت عیسی

عیسی، ماشیح شگفت‌انگیزی بود چرا که بر مرگ غالب شد. مرقس در ابتدای انجیل در مورد کشمکش‌هایی که منجر به مصلوب شدن مسیح شد، صحبت می‌کند. نیمه دوم انجیل دو محتوای کلی دارد: اولی درباره زحمات و مرگ قریب‌الوقوع مسیح صحبت می‌کند و در دومی به زحمات و مرگ واقعی او می‌پردازد. به موازات تأکید بر رنج عیسی به خدمات او نیز اشاره می‌شود. او به بسیاری خدمت کرد و عده زیادی را شفا داد. او زندگی خود را فدییه کرد تا گناهکاران را نجات دهد. او به طور کامل اراده خدا را به جا آورد تا به قوم خدا کمک کند.

یکی از جاهایی که مرقس خدمت و رنج مسیح را به شکل جالبی به هم مرتبط می‌کند، مرقس باب ۱۰ آیات ۳۵ تا ۴۵ است. در این بخش، یعقوب و یوحنا درباره جایگاه خودشان در ملکوت عیسی سوال می‌کنند. بعد ده

شاگرد دیگر از تمایل بیش‌اندازه آنها به بزرگ‌طلبی و جلال‌خواهی عصبانی می‌شوند. اما مسیح همه دوازده نفر را سرزنش می‌کند و از آنها می‌خواهد که به دنبال خدمت در زندگی باشند و زندگی خود را به عنوان الگویی برای آنها قرار می‌دهد.

خدمت رهبری، در واقع رهبری رو می‌طلبه که خودش به شکل فعالی در خدمت درگیره و حاضره، همانطور که پولس گفت: «برای خدمت خودش رو وقف دیگران کنه، اونها را تجهیز کنه و مورد حمایت قرار بده.» بنابراین کار رهبر فقط دستور دادن یا به قول معروف «این کار رو بکن و چشم قربان گویی» نیست. بلکه خودش باید راه رو نشون بده و در رسیدن به هدف‌ها و مقاصد کوشا باشه. این منو یاد گفته پولس می‌اندازه که درباره «کار» صحبت می‌کنه. می‌گه که برای همکارانش زحمت و رنج دیده. همین به شما حس قوی می‌ده که مفهوم رهبر خادم را درک کنید یعنی پیش مردم برید، به اونها کمک کنید تا بارشون را تحمل کنند و به نوعی این تحمل بار رستگاری را برای اونها به همراه داشته باشه.

- کشیش لری کاکرل

به توضیح عیسی برای این نوع رهبری در مرقس ۱۰: ۴۵ گوش کنید:

زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند (مرقس ۱۰: ۴۵).

عیسی به روشنی بیان کرد که رهبری شکلی از خدمت به خدا و کسانی است که هدایت و رهبری می‌شوند. رهبری فرصتی برای جلال یافتن نیست. بلکه بر عکس باعث زحمت دیدن بیشتر رهبران می‌شود. در واقع، عیسی می‌دانست که مأموریت او در خدمت دیگران نهایتاً منجر به مرگش خواهد شد. اما او این مأموریت را به جان خرید و به شاگردان خود نیز دستور داد تا همین کار را انجام دهند.

خب، مرقس در انجیلش علاقه خاصی داشته تا نشون بده که عیسی همان خادمی است که در عهد عتیق در مورد او نبوت شده بود. در نیمه اول انجیل، بر پادشاهی مسیح خیلی تأکید شده و در نیمه دوم، مرگ و رنج عیسی رو می‌بینیم. احتمالاً مرقس ۱۰: ۴۵ آیه کلیدی است که می‌گه: «زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند.» این آیه در جایی آمده که از شاگردان خواسته می‌شه تا چنین خادمینی باشند، اینکه عیسی به عنوان الگویی باشه که ما دیگه دنبال حق خودمان نباشیم بکله به خاطر پیشرفت

انجیل، پیشرفت ملکوت اونها رو کنار بگذاریم. به طور خاص، مرقس الگویی را ارائه م‌کنه که چطور خودمون را بالا ببریم، اینکه نباید دنبال بهترین جاها در ملکوت نباشیم، کاری که اغلب شاگردان گرفتارش می‌شدن. بلکه از الگوی مسیحی که داوطلبانه خودش رو برای دیگران قربانی کرد، این همان الگویی است که باید ازش پیروی کنیم.

- دکتر سایمون ویبرت

اگر دنبال نوع خدمت فروتنانه مورد نظر عیسی می‌گردیم، می‌تونیم این رو در اناجیل ببینیم که عیسی چطور این نوع از خدمت را به نمایش می‌ذاره. اولین چیزی که در نحوه برخورد مسیح با افراد مختلف می‌بینیم اینه که او به دقت و خیلی خیلی خوب به حرف‌های آنها گوش می‌ده. او به ملاقاتشون میره. به نیازهای مادی توجه می‌کنه، نیازهای احساسی اونها رو نیز مد نظر داره؛ صرفاً به حرف‌های افراد گوش نمی‌ده بلکه توجه می‌کنه که حقیقتاً منظور آنها از گفتن حرفهاشون چیه. به عنوان مثال، در انجیل مرقس مردی را می‌بینیم که پسرش سال‌ها دیورده بوده طوری که خودش رو زخمی می‌کرد و امیدی نداشت. این شخص میگه: «بی‌ایمانی مرا امداد نما.» عیسی به جای سرزنش کردن، جوابش رو می‌ده و پسرش را شفا می‌ده. بعد خط سیر انجیل رو که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که عیسی به چه جاهایی میره. عیسی به اورشلیم میره تا جان خود را به خاطر پیروانش بده و کفاره گناهان اونها بشه. این نمود محبت فداکارانه‌ای است که از هر نوع خودستایی فرهنگ مرسوم اون زمان به دوره و بعدش هم جانش رو برای پیروانش فدا می‌کنه. این همان الگویی است که عیسی در انجیل به نمایش می‌ذاره، نوع توجه به دیگران، گوش کردن به کسانی که ملاقاتشون می‌کنه و بعد جاهایی که می‌ره، به اورشلیم و بعد فدا کردن زندگی خودش. به این میگین رهبر خادم.

- دکتر گرگ پری

با توجه به انتظارات یهودیان از ماشیح و خدمت مسیح، حال به بررسی عکس‌العمل‌هایی که مرقس از خوانندگان انجیلش می‌خواهد، از این جنبه از هویت عیسی به عنوان ماشیح خواهیم پرداخت.

### عکس‌العمل مناسب

عیسی تعلیم داد که پیروانش باید زحمت ببینند. آنها در جامعه با مخالفت روبرو خواهند شد. شاید با خانواده خود دچار اختلاف شوند. شاید توسط نیروهای شیطانی وسوسه شده و مورد حمله قرار بگیرند. جفا ببینند و حتی برخی کشته شوند. اما او همچنان از ایشان انتظار وفاداری و استقامت داشت. به خلاصه گفته‌های عیسی در این مورد در مرقس ۱۲: ۳۰ گوش کنید:

و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما، که اول از احکام این است (مرقس ۱۲: ۳۰).

در اینجا عیسی برای اینکه تأکید کند خدا از قومش انتظار دارد تا تمام زندگی خودشان را به او بسپارند به تشبیه باب ۶ آیه ۵ اشاره می‌کند. ما باید از هر لحاظ وجود و زندگی خود را به خدا بسپاریم. پیروی از عیسی مستلزم تحمل درد و رنج است. اما او باز هم از ما می‌خواهد تا او را پیروی کرده و برای زندگی کردن به شکلی که جهان آن را خوار می‌شمارد، مشتاق ملکوت او باشیم. به عنوان مثال، به داستان جوان ثروتمند در باب ۱۰ آیات ۱۷ تا ۲۹ توجه کنید. او نزد عیسی آمد و از او پرسید برای به دست آوردن حیات ابدی چه کاری باید انجام بدهد و مسیح نیز پاسخ داد که باید تمام دارایی خود را فروخته و به فقرا بدهد. خواست مسیح فراتر از چیزی بود که جوان ثروتمند بتواند آن را به جا آورد. بنابراین او نگران و دلسرد برگشت. بعد عیسی به شاگردان گفت که این نباید باعث تعجب آنها شود چونکه گذشتن شتر از سوراخ سوزن، آسان‌تر از وارد شدن شخص دولتمند به ملکوت خداست. او در ادامه به شاگردانش گفت که پیروانش باید راضی باشند به اینکه خانواده، خانه و دارایی خود را به خاطر مسیح ترک کنند. جفا دیدن را بپذیرند و حتی حاضر باشند برای او جان‌شان را فدا کنند. عیسی در مرقس باب ۸ آیات ۳۴ و ۳۵ چنین گفته است:

هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید. زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد؛ و هر که جان خود را به جهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند (مرقس ۸: ۳۴ – ۳۵).

هر مسیحی، صلیبی دارد. اما برکت و جلالی که از نجات حاصل می‌شود ارزش فداکاری را دارد.

چون عیسی از یک طرف می‌گه «صلیبت رو بردار» ولی لحظاتی در زندگی پطرس وجود دارد که وقتی به دستانش نگاه کرد شمشیر رو توی دستش دید و گوش غلام کاهن اعظم رو برید. ببینید این قضیه، قرن‌ها برای کلیسا یک معضل بوده یعنی انتخاب بین شمشیر و صلیب؟ آیا ما از هوش، منطق و روش‌های انسانی پیروی می‌کنیم؟ یا اینکه با انکار نفس، خودمون را مرده فرض می‌کنیم و از مسیح پیروی می‌کنیم؟ عیسی به صراحت می‌گه که جلال، یعنی جلالی که خدا از طریق پسرش عرضه می‌کنه، فقط در راه صلیب به دست میاد یعنی از طریق پیروی از راه عیسی. پس سوال این نیست که حالا چقدر اینجا میشه با این بتونیم کنار بیاییم یا نیاییم بلکه در اصل اینه که آیا ما از عیسی پیروی می‌کنیم یا نمی‌کنیم؟ وقتی هم مردم نسبت به این هدف متعهد میشن؛ وقتی می‌فهمند که راه عینی

همان راه صلیبه و پیروی از او در گرو مرگ «نفس» و زندگی برای اوست، اون وقت این سوال که میشه با این موضوع کنار بیام یا نیام، اتحاد یا عدم اتحاد، همه این چیزها تا زمانی که به تمرکز ما روی ذات صلیب‌گونه زندگی مسیحی معطوف باشه خود به خود حل میشن.

- کشیش مایکل گلودو

شاگردی، مسیر بسیار دشواری است. در واقع، طبق گفته عیسی، ورود به ملکوت خدا با اتکا بر قدرت خودمان امکان پذیر نیست. اما گوش کنید که عیسی چگونه شاگردانش را در مرقس باب ۱۰ آیه ۲۷ ترغیب می‌کند:

نزد انسان محال است لیکن نزد خدا نیست زیرا که همه چیز نزد خدا ممکن است (مرقس ۱۰:۲۷).

ما چنین قدرتی نداریم که بتوانیم به این شکلی که عیسی از ما می‌خواهد او را اطاعت کنیم. اما خدا این قدرت را دارد و از قدرت درون ما استفاده می‌کند تا اطمینان حاصل کند که ما وارد ملکوت او می‌شویم.

بدترین کاری که می‌شه انجام بدیم اینه که بدون قدرت روح‌القدس بخوایم دنبال رشد در مسیح، تقدس و عدالت یا راستی باشیم. این کار نه خوشایند خدایی است که ما را نجات داده و نه مطابق با خواست اوست. بنابراین رشد و هر کار خوبی که انجام میدیم مستلزم کار و قدرت روح است. نکته جالب اینجاست که وقتی به زندگی عیسی بر روی زمین نگاه می‌کنیم، تمام این موارد رو می‌بینیم. روح‌القدس وارد زندگی عیسی شده، در آن کار کرده، به او قدرت بخشیده و او رو هدایت کرد. در شروع خدمت، عیسای مسیح به وسیله روح‌القدس مسح شد و حتی قبل از اون، وقتی خدا با لقاچ یک باکره شکلی انسانی به خودش می‌گیره و این کار توسط روح‌القدس انجام میشه. می‌بینیم که روح او را به بیابان برده تا مورد وسوسه قرار بگیره. روح میاد و او را خدمت می‌کنه. روح قدرت زندگی مسیح است. بنابراین شکی نیست که در زندگی پیروان مسیح همین امر صادقه.

- دکتر اریک تونسن

مرقس می‌خواست مخاطبان اصلی‌اش در روم بدانند که رنج و عذابی که می‌کشند، دلیلی است بر اینکه آنها پیروان حقیقی مسیح هستند. این بخشی از نقشه عیسی برای ملکوتش بود و مرقس نیز می‌خواست با اعلام این حقیقت مخاطبانش را دلگرم کند. او می‌خواست به آنها اطمینان بدهد که خدا به آنها قدرت خواهد داد تا در برابر مشکلات بایستند - درست همانطوری که به عیسی چنین قدرتی داده بود تا در مقابل رنج‌ها با امید و دلیری ایستادگی کنند.

عیسی هنوز ملکوتش را به آرامی پیش می‌برد و از مردمانش که رنج می‌کشند برای پیشبرد آن استفاده می‌کند؛ هنوز هم به ما قدرت می‌بخشد تا ایستادگی کنیم. رنج برای عیسی و ملکوت او نباید ما را مایوس کند بلکه باید الهام‌بخش ما باشد. چون خادمین او هستیم رنج می‌کشیم. اما مطمئن هستیم که یک روز برکاتی فوق از تصور دریافت خواهیم کرد، برکاتی که خیلی بیشتر از سختی‌هایی است که متحمل شده‌ایم.

حالا به جنبه دوم هویت عیسی می‌پردازیم که پادشاهی فاتح است که ملکوت خداوند را بر زمین برقرار می‌کند.

### پادشاه فاتح

در عهد عتیق به روشنی بیان شده است که مسیح از نسل داوود باید باشد و وظیفه او بازگرداندن شکوه به تخت داوود و حکومت ابدی بر اسرائیل خواهد بود. این پیشگویی‌ها در مزامیر ۸۹، ۱۱۰ و ۱۳۲ آمده و در مرقس باب ۱۲ آیه ۳۵ مورد تایید قرار گرفته است. پس وقتی عیسی به عنوان مسیح یا ماشیح معرفی می‌شود، به دنبال آن مرتبه پادشاهی او نیز مورد تایید قرار می‌گیرد. مثلاً به همین خاطر است که در مرقس باب ۱۰ آیات ۴۷ و ۴۸ او را پسر داوود خطاب می‌کنند. خود عیسی نیز وقتی در مقابل سنهدرین، شورای عالی یهود، در مرقس ۱۴ آیات ۶۱ و ۶۲ قرار می‌گیرد به صراحت اعلام می‌کند که پادشاه مسیحایی است.

ما سه جنبه از نقش عیسی به عنوان پادشاه فاتح را که مرقس بر آنها تأکید کرده، مورد بررسی قرار می‌دهیم. ابتدا، این حقیقت را که خود مسیح ملکوتش را اعلام کرده بررسی می‌کنیم و خواهیم دید که او قدرت و اقتدار خود را آشکار می‌کند. نهایتاً خواهیم دید که که بر دشمنانش چیره می‌شود. اجازه دهید با اعلام پادشاهی مسیح کار را شروع کنیم.

### اعلام پادشاهی

اول، خلاصه‌ای از خدمت انجیل عیسی را که مرقس در باب ۱ آیات ۱۴ و ۱۵ آمده را یادآور می‌شویم:

و بعد از گرفتاری یحیی، عیسی به جلیل آمده، به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده، می‌گفت، وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید (مرقس ۱: ۱۴-۱۵).

هدف اصلی خدمت موعظه عیسی، اعلام انجیل یا خبر خوش نزدیک بودن ملکوت خدا بود و اینکه برکات آن شامل کسانی می‌شد که توبه کنند و ایمان بیاورند.



عیسی همچنین درباره پادشاهی خود با شاگردانش صحبت کرد و اسرار آن را به آنها اعلام می‌کند. در واقع به همین دلیل است که او اغلب با مثل‌ها سخن می‌گفت تا اینکه برگزیدگان، اسرار ملکوت را بدانند و با این کار این اسرار را از دیگران مخفی نگه دارد. به گفته‌های عیسی به شاگردان در مرقس ۴: ۱۲-۱۱ گوش کنید:

به شما دانستن سرّ ملکوت خدا عطا شده، اما به آنانی که بیرونند، همه چیز به مثل‌ها می‌شود، تا نگران شده بنگرند و نبینند و شنوا شده بشنوند و نفهمند، مبادا بازگشت کرده گناهان ایشان آمرزیده شود (مرقس ۴: ۱۱-۱۲).

البته، عیسی اغلب ملکوت خدا را توصیف می‌کرد. مثلاً در مرقس باب ۱۰ درباره کسانی که می‌توانند به راحتی وارد ملکوت شوند مثل کودکان و کسانی که با مشکل روبرو خواهند شد مانند ثروتمندان صحبت می‌کند. دومین جنبه از نقش عیسی به عنوان پادشاه فاتح این است که او قدرت و اقتدار خود را به عنوان کسی که در رأس ملکوت زمینی خدا قرار دارد به نمایش گذاشت.

### نمایش قدرت و اقتدار

عیسی قدرت و اقتدار ملوکانه خود را در اصل با معجزاتش نشان داد. برای مثال، در مرقس ۴ آیه ۴۱ می‌بینیم که خلقت از دستورات او پیروی می‌کرد. دیوها هم معمولاً او را به عنوان پسر خدا می‌شناختند - مثلاً در مرقس باب ۱ آیه ۲۴، باب ۳۲ آیه ۱۱ و باب ۵ آیه ۷. توانایی عیسی در به انجام رساندن اراده‌اش بر طبیعت و دیوها نشانه قوی‌ای بود از اینکه او آمده تا ملکوت خداوند را بر زمین برقرار کند. همین مورد در معجزات شفای او نیز صدق می‌کند. برکات ملکوت خدا شامل زندگی و سلامتی می‌شود. بنابراین وقتی مردم را شفا می‌داد، در واقع برکات ملکوت را طبق امتیاز ملوکانه‌اش بین آنها تقسیم می‌کرد.

عیسی حداقل به سه دلیل معجزه می‌کرد: اول اینکه می‌خواست مهربانی خودش و مهربانی خدا را نسبت به مردم رنج‌کشیده نشون بده. برای همین، مردم رو شفا می‌ده و انگیزه او همین مهربانی یا شفقت او بود. او می‌خواست احتیاجات اونها را برآورده کنه و البته با این کار حقیقت وجودی خودش رو آشکار می‌کرد که همان ماشیحی است که نجات را آورده. پس معجزات تابلوی هویت او بودند، نه اینکه فقط او خداست و می‌تونه این کارها رو انجام بده بلکه او همان مسیح موعوده. دلیل سوم معجزات اینه که به از راه رسیدن «نجات مسیحایی» اشاره می‌کنه. دوره وعده داده شده توسط خدا در این بخش از تاریخ به دو نیم شده و حالا داره مسیر برعکس رو طی می‌کنه و لعنی که بر جهان بوده و باعث بیماری‌ها شده، برداشته می‌شد برای همین بود که مسیح مردم رو شفا می‌داد. محدودیت

غذا و آشامیدنی‌ها رو با فراهم کردن غذا و شراب فراوان برطرف می‌کنه پس این معجزات باعث ایجاد تغییرات الاهی در تاریخ میشن چون او همان مسیحی است که ماموریتش اینه که این چیزها رو به زندگی ما هدیه کنه.  
- دکتر جان مک‌کینلی

عیسی علاوه بر معجزه به طرق دیگری نیز قدرت و اقتدار ملوکانه خود را نشان می‌داد. برای نمونه، عیسی در مرقس باب ۱ آیات ۱۶ تا ۲۰ از شاگردان خود می‌خواهد تا خانه، خانواده و کار خود را برای پیروی از او رها کنند. پیشنهادات او صرفاً حکیمانه نبود بلکه او به دنبال عکس‌العملی بود که کل زندگی را دگرگون می‌کرد. در اصل، او به هر کسی که انجیل را می‌شنود چنین فرمانی می‌دهد و انتظار همان عکس‌العملی را دارد. هر انسانی ملزم به پیروی از عیسی است و باید زندگی خود را به او بسپارد و هر جا که می‌گوید باید برود.

شاید به یادماندنی‌ترین نمونه از اقتدار عیسی وقتی بود که او گناهان مفلوج را در مرقس باب ۲ آیات ۳ تا ۱۲ بخشید. عیسی و هر کسی که آنجا بود می‌دانستند که فقط خدا قادر به بخشیدن گناهان است. اما عیسی در عین شگفتی از آن شخص نمی‌خواهد تا بخشش گناهان را از خدا طلب کند بلکه از اقتدار خودش برای بخشیدن گناهان شخص مفلوج استفاده می‌کند. در نتیجه، این عبارات فقط برای اطمینان از بخشودگی فرد مفلوج آورده نشدند بلکه نشان‌دهنده اقتدار ملوکانه عیسی نیز هستند. عیسی با بخشیدن گناهان این شخص، نشان داد که قدرت اجرای عدالت ملکوت خدا را دارد و عیسی با شفای بلافاصله مفلوج ثابت می‌کند که پیام او حقیقتاً از جانب خداست.  
البته، اقتدار عیسی در بخشیدن گناهان یکی از بزرگترین دلایلی است که باید از او پیروی کرد. گناهان ما به وسیله او بخشیده می‌شوند تا اینکه ما مورد رضایت خداوند قرار بگیریم. به جای دشمنی با او، می‌توانیم مثل شهروندان وفاداری در ملکوتش زندگی کنیم و از برکات ابدی آن بهره‌مند شویم.  
سومین جنبه از نقش عیسی به عنوان پادشاه فاتح این است که او بر دشمنانش پیروز می‌شود.

### دشمنان مغلوب

عیسی در طول زندگی خود دشمنان زیادی داشت: رهبران یهود که بر ضد او بودند، بی‌ایمانانی که او را رد می‌کردند، دیوهای که اخراج کرد و دشمنان دیگری هم در کار بودند. عیسی در هر صحنه‌ای که با دشمنان خود مواجه می‌شود پیروز میدان است. در بحث‌ها آنها را شکست می‌داد، دسیسه‌هایشان را خنثی می‌کرد و مردم را از ستم آنها رهایی می‌داد. حتی از دسیسه‌های آنها برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کرد؛ اجازه داد مصلوبش کنند تا اینکه بتواند کفاره گناهان را بدهد. همه این پیروزی‌ها نشان می‌دهند که او واقعا همان ماشیح یا مسیح است، پادشاهی از نسل داوود که آمد تا ملکوت خداوند را بر زمین بیاورد.

یک گروه از دشمنان عیسی که مرقس بارها به آن اشاره می‌کند دیوها هستند. در واقع، مرقس بیشتر از سایر اناجیل به قدرت عیسی بر نیروهای شیطانی و دیوها اشاره می‌کند. مرقس توجه خوانندگان خود را بر مهار دیوها توسط عیسی معطوف می‌کند.

برای مرقس، این اختلاف بین عیسی و دیوها ثابت می‌کرد که او ملکوت خدا را آورده است. حضور ملکوت به معنای زندگی آرام و بی‌کشمکش نیست. برعکس، این نشانی بود که ملکوت عیسی آمده تا با پادشاهی شرارت بجنگد و نهایتاً قدرت‌های شیطانی ملکوت شرارت را نابود کند. برای مسیحیان روم، این امر به این معنا بود که تحمل درد و رنج‌ها بخشی از جنگ بزرگتر روحانی است و علی‌رغم مظلومیت و جفای کوتاه‌مدت، پیروزی از آن آنهاست و به زودی به پیروزی نهایی دست پیدا خواهند کرد. همین موضوع، امروز برای ما هم صادق است.

با وجود اینکه پیروزی عیسی بر دیوها بسیار شگفت‌انگیز بود ولی بزرگترین پیروزی عیسی بر مرگ بود که پولس در اول قرن‌تین باب ۱۵ آیه ۲۶ آن را «دشمن آخر» می‌خواند. همانطور که دیدیم، عیسی قبل از مرگ خود بارها برای شاگردانش شرح می‌دهد که مرگ او وسیله‌ای برای پیروزی او خواهد بود. مرگ به منزله یک دشمن بود ولی عیسی بر این دشمن غلبه کرد و از آن برای رسیدن به هدف خود بهره برد. به عنوان مثال، به گفته‌های مسیح در شام آخر که در باب ۱۴ آیات ۲۴ و ۲۵ آمده گوش کنید:

این است خون من از عهد جدید که در راه بسیاری ریخته می‌شود. هرآینه به شما می‌گویم بعد از این از عصیر انگور نخورم تا آن روزی که در ملکوت خدا آن را تازه بنوشم (مرقس ۲۴:۱۴-۲۵).

عیسی مثل یک شبان‌مهربان وعده داد که مرگ او نه تنها اصلاً باعث دلسردی نبود بلکه عامل پیروزی خدا بر گناه و نتایج حاصل از آن خواهد بود. عیسی این وعده را نیز داد که این آخرین غذایی نخواهد بود که با شاگردان می‌خورد. بعد از تمام چیزهای وحشتناکی که قرار بود اتفاق بیفتد مثل دستگیری، محاکمه، رنج و مرگش، او دوباره وقتی ملکوتش در همه جلالش به کمال برسد با شاگردانش خواهد نوشید. از زمان مخاطبان اولیه انجیل مرقس در جهان باستان و در تاریخ کلیسا و در طول سالیان دراز، هر وقت که مراسم عشای ربانی را به جا می‌آوریم، به ما یادآوری می‌کند که پیروزی مسیح نهایتاً به همه رنج‌های ما خاتمه خواهد داد. روزی سر سفره‌ای با خود عیسی پیروزی را جشن می‌گیریم و از او پاداش خواهیم گرفت.

عیسی در زمان مصلوب شدن، مرگ و تدفینش اجازه داد تا مرگ بر او چیره شود تا بتواند ما را از گناهانمان نجات بدهد. اما او تحت این قدرت نماند. وقتی قیام کرد نه تنها بر مرگ پیروز شد بلکه هر شک و تردیدی را که از مسیح و پادشاهی مسیحیایی وجود داشت از میان برداشت و نشان داد که خدا او را برای بازگرداندن پادشاهی خود بر زمین فرستاده است.

اما اگر عیسی فقط آمده بود تا پادشاه شود، آیا این به معنی است که او در ماموریت خود شکست خورده بود؟ این سوال شاید ذهن مخاطب جفا دیده مرقس یا هر مسیحی دیگری در هر عصری را درگیر کرده است. امروز ما حکومت عیسی بر زمین را به چشم نمی‌بینیم. اینطور به نظر نمی‌آید که همه کارهای پادشاهی مسیحیایی در عمل به انجام رسیده باشد.

در نیمه اول انجیل مرقس می‌بینیم که بر پادشاهی عیسی تأکید بیشتری شده است و عیسی نشان می‌دهد که قدرت غلبه بر بیماری‌ها رو دارد. او نشون می‌دهد که بر طبیعت غالب است. او نشان می‌دهد که میتونه پیروان برای خودش جمع کنه و هر کار دیگری رو که میشه از خدای پادشاه انتظار داشت به انجام برسونه. اما چیزی که شاگردان رو متعجب می‌کنه اینه که عیسی بلافاصله بعد از اینکه ادعای پادشاهی می‌کنه، موردی که کم‌کم برای شاگردان آشکار میشه، به اونها میگه که او را انکار خواهند کرد، عذاب خواهید کشید و خواهد مرد. به نظر من، در ابتدا درک این موضوع برای اونها بسیار سخت بوده که آن پادشاه به میان اونها بیاد، اونها را خدمت کنه اما در اصل، وقتی به پیشگویی‌ها نگاه می‌کنید یعنی به پیشگویی‌هایی که در مورد آمدن پادشاه بوده، با متنی مثل اشعیا باب ۵۳ که درباره پادشاهی حرف می‌زنه که میاد، و رنج هم می‌کشه و می‌میره، این موضوع قابل درک می‌شه. عیسی اعتقاد داشت که کارش پرداختن کفاره گناهان انسان‌هاست و اینکه جلالش خودش رو بر روی صلیب کنار می‌زاره تا اینکه بهای این کار یا فدیة را بپردازه. البته این پایان داستان نیست بلکه او از مردگان قیام کرد و به آسمان بالا برده شد و در مقام پادشاهی تمام مخلوقات نشست و روزی برای داوری زندگان و مرگان باز خواهد گشت.

- دکتر سایمون ویبرت

عیسی، ماشیح مورد انتظار مردم در قرن اول میلادی نبود. او حتی مسیحی نیست که بیشتر مردم امروزه انتظارش را داشته باشند. او زندگی خود را در خدمت و تحمل رنج گذراند و از مردم ملکوتش هم چنین انتظاری دارد. در مثل برزگر و دانه خردل در مرقس باب ۴، عیسی اعلام می‌کند که پیروانش جفا خواهند دید، طوری که انگار ملکوتش شکست می‌خورد.

اما او این را نیز تعلیم می‌دهد که در برخی افراد کلام ملکوت ریشه دوانده و میوه خواهد داد. آنها ملکوت خدا را در اطاعت خواهند پذیرفت. آنها از عیسی پیروی کرده و ملکوتش را گسترش خواهند داد.

ملکوت موقتا پنهان است، رشد کمی دارد و حتی رنج می‌بینید. اما نهایتاً ملکوت خدا به کمال خود خواهد

رسید. به گفته‌های عیسی در مرقس ۴: ۲۲ گوش کنید:

زیرا که چیزی پنهان نیست که آشکارا نگردد و هیچ چیز مخفی نشود، مگر تا به ظهور آید (مرقس ۴:۲۲).

پیغام مرقس به مخاطبان اصلی و ما روشن است. گسترش ملکوت خدا رمزآلود است و در برابر جفا، درد و دشمنان مقابله می‌کند. اما مطمئناً مطابق زمانبندی خدا رشد می‌کند. ملکوت خدا و خدمت عیسی توقف‌ناپذیر است. روزی عیسی باز خواهد گشت تا آنچه را که آغاز کرده به پایان برساند. او سر انجام تمام دشمنانش را شکست خواهد داد و ما نیز جلال پیدا می‌کنیم و وارد مرحله حیات ابدی خواهیم شد که هیچگاه به پایان نخواهد رسید. در آن زمان، هیچکدام از پیشگویی‌های عهد عتیق ناتمام نخواهد ماند. او همه چیز را به کمال خواهد رساند.

### نتیجه‌گیری

در این درس، پیشینه انجیل مرقس را از منظر نویسنده آن یعنی مرقس، مخاطبین اصلی او، و موقعیت نوشتاری او بررسی کردیم. ساختار و محتوای انجیل مرقس را هم مورد بررسی قرار دادیم و بر دو مضمون اصلی تمرکز کردیم: هویت عیسی به عنوان خادم رنج‌دیده و پادشاه فاتح. اگر این انجیل را با چنین مفاهیمی در ذهن مورد مطالعه قرار بدهیم، خواهیم دید که انجیل مرقس را عمیق‌تر درک کرده و می‌توانیم مفاهیم آن را به شکل بهتری در زندگی شخصی و در این دنیای مدرن امروزی به کار ببندیم.

انجیل مرقس، ابعادی از شخصیت و خدمت عیسی را که در سایر اناجیل مورد تأکید قرار نگرفته مورد تأکید بیشتری قرار می‌دهد. این انجیل به ما نشان می‌دهد که عیسی با قدرت و توان موثری بر عوامل بیرونی خود احاطه داشت. اما در عین حال، به ما نشان می‌دهد که عیسی حتی با وجود چنین قدرتی، مشتاقانه نقش خادم رنج‌دیده را به خود می‌گیرد. مرقس عکس‌العمل‌های متعددی نسبت به الگوی خداوند در برابر ما قرار می‌دهد. او از ما می‌خواهد که با پرستش بر پای‌های عیسی بیفتیم و در سکوت به او گوش دهیم و با اطاعت بی‌چون و چرا نسبت به سخنان او عمل کنیم. او از ما می‌خواهد که مشتاقانه به خاطر ملکوت خدا مثل عیسی متحمل رنج شویم. مرقس می‌خواهد با علم به اینکه وقتی عیسی با صلیب بر دشمنانش پیروز شد، ما را دلگرم کند که پیروزی ما را نیز با کار مسیح تضمین شده است و به واسطه همین امید است که ما هم باید تا روزی که عیسی در جلال خود بازگردد بایستیم و با استقرار کامل ملکوتش طعم پیروزی را بچشیم.